

فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی  
دوره ۱۳، شماره ۱ (پیاپی ۴۲)، بهار ۱۳۹۷  
شاپای چاپی ۵۹۶۸-۲۵۳۸ شاپای الکترونیکی ۵۹۵۸-۲۵۳۸  
<http://jshsp.iaurasht.ac.ir>  
صص. ۱۴۳-۱۲۵

## ارزیابی ساختار کالبدی - فضایی شهرهای ایران از دیدگاه مدرنیسم و پست مدرنیسم (مطالعه موردی: کلانشهر تهران)

یوسف زین‌العابدین - دانشیار گروه جغرافیا، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران  
نوبخت سبحانی\* - عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران  
فرانک سعیدی فرد - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران  
مجید اکبری - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۴/۳۰

### چکیده

بررسی مراحل رشد و توسعه کالبدی شهرهای جهان حاکی از تأثیر دو پارادایم مدرنیسم و پست‌مدرنیسم بر سازمان و ساختار فضایی شهرها می‌باشد. به گونه‌ای که تأثیرات این دو پارادایم منجر به توسعه شهرها، ایجاد و توسعه شبکه ارتباطی و بزرگراه‌ها، ایجاد شهرک‌های اقماری و حومه شهرها شده و بیش‌ترین تأثیر را در حوزه فضایی و کالبدی شهرها برجای گذاشته است. مدرنیسم و اثر آن مدرنیته، تأثیراتی بنیادی در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی فضایی داشته است و بیش از همه، تحول جامعه شهری، آن‌هم در ابعاد کالبدی - فضایی شهر، را هدف قرار داده و مفاهیم کهن شهرسازی را به‌شدت دگرگون کرده است. از سویی دیگر پست‌مدرنیسم نیز در زمینه اقتصادی، اجتماعی، سیاست و در زمینه روش‌شناسی نیز تأثیراتی بر سازمان فضایی شهر داشته است. در همین راستا هدف از پژوهش حاضر ارزیابی ساختار فضایی کلان‌شهر تهران از دیدگاه مدرنیسم و پست‌مدرنیسم می‌باشد. روش این تحقیق توصیفی - تحلیلی بوده و جمع‌آوری اطلاعات بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی تدوین شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که در مدرنیسم مؤلفه‌های دیدگاه کالبدی و شهرسازی تک‌بعدی، ایجاد فضاخورها نظیر: ایجاد بزرگراه‌ها، شبکه‌های هوایی و معماری و ساخت‌وساز بلند مرتبه و دانه‌دار به ترتیب در جایگاه‌های اول تا سوم و در پست‌مدرنیسم مؤلفه‌های: ترکیب کاربری‌ها و وجود تنوع در ساخت مسکن، وجود اصل اختیار در کالبد شهر و تراکم متوسط و کاربری ترکیبی اشاره کرد که در جایگاه‌های اول تا سوم از لحاظ تأثیرگذاری بر ساختار فضایی بر کلان‌شهر تهران نقش داشته‌اند. بنابراین تلفیق دانش و تجربیات بومی، مدرن و پست‌مدرن می‌تواند ضمن حفظ هویت شهری، ایمنی، زیبایی، توسعه پایدار شهری را تحقق بخشد.

واژگان کلیدی: مدرنیسم، پست‌مدرنیسم، فضا، برنامه‌ریزی شهری، کلانشهر تهران

### نحوه استناد به مقاله:

زین‌العابدین، یوسف، سبحانی، نوبخت، سعیدی‌فر، فرانک و اکبری، مجید. (۱۳۹۷). ارزیابی ساختار کالبدی - فضایی شهرهای ایران از دیدگاه مدرنیسم و پست‌مدرنیسم (مطالعه موردی: کلانشهر تهران). *مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۳(۱)، ۱۲۵-۱۴۳.  
[http://jshsp.iaurasht.ac.ir/article\\_540508.html](http://jshsp.iaurasht.ac.ir/article_540508.html)

## مقدمه

بروز انقلاب صنعتی در قرن ۱۸ و ۱۹ تحولات بزرگی را در عرصه شهرها به وجود آورد که مهم‌ترین نتیجه آن، افزایش جمعیت شهرها و به طبع آن گسترش کالبدی و فیزیکی این شهرها بود و نمونه بارز آن ظهور کلان‌شهرها می‌باشد. این امر باعث سرعت شهرنشینی در کشورهای پیشرفته و در کشورهای در حال توسعه شد (Narimah, 2006: 1). در همین راستا، شهر مدرن و صنعتی غرب مولود انقلاب صنعتی و تغییراتی است که در نتیجه تکامل نیروهای مولد جامعه رخ داده است. این انقلاب علاوه بر مناسبات جدید اجتماعی و اقتصادی، باعث گردیده که مکان‌های جدیدی جاذب جمعیت شوند. همین مکان‌ها که در نزدیکی رودخانه‌ها و یا در واقع مکان انرژی جدید راه‌اندازی کارخانه‌ها قرار داشتند. همچنین از شهرهای قدیمی و قرون وسطایی، شهرهایی که توانستند با شرایط جدید خود را تطبیق دهند، جاذب جمعیت فراوان نواحی روستایی شدند. اندیشمندان شهرسازی معتقدند که پیدایش شهر و شهرسازی مدرن نتیجه تأثیر انقلاب صنعتی بر ساختار شهرهای اروپای غربی در این دوره است (Sharmand Consulting Engineers, 1393: 24). معماری و شهرسازی از اولین حوزه‌های بود که مفهوم فرا مدرن در آن به کار گرفته شد. در این مفهوم (معماری و شهرسازی پست مدرن) یادگیری و استفاده از سنن بومی و کنار گذاشتن سبک‌های متحدالشکل نوگرایی مورد توجه است و همچنین تنوع شیوه‌های محلی مورد تقدیر قرار می‌گیرد و بر اهمیت تمایز شهری تأکید می‌شود (Rezaii & Abbasi, 2010: 170). حاکمیت تفکر مدرنیسم به دنبال شروع انقلاب صنعتی، سیاست‌های منطقه بندی و تفکیک عملکردها و کاربری‌های شهری در دوران شهرسازی مدرن، باعث از دست رفتن پویایی و حیات شهرها شد که حاصل آن وجود شهرهایی با تقسیم مناطق همگن، جدایی طبقات اجتماعی از یکدیگر و حذف فعالیت‌های متنوع از شهر بود که نتیجه‌ای جز از میان رفتن سرزندگی و حیات‌بخش‌های مرکزی شهرها نداشت (Ghorbani & Jame Kasra, 2010: 56). جهان امروز شاهد تحولاتی است که دامنه تأثیر آن بسیار وسیع و گسترده است که از جمله آن‌ها می‌توان به پدیده مدرنیسم و پست‌مدرنیسم اشاره کرد (Sajadi, 2004: 43). به طوری که بررسی مراحل رشد و توسعه کالبدی شهرهای جهان از گذشته تا به امروز حاکی از آن است که این دو پدیده منجر به توسعه شهرها، ایجاد و توسعه شبکه ارتباطی و بزرگراه‌ها، ایجاد شهرک‌های اقماری، حومه شهرها شد (Rezaii & Abbasi, 2010: 165) و بیش‌ترین تأثیر را در حوزه فضایی و کالبدی شهرها برجای گذاشته است. مدرنیسم و اثر آن مدرنیته، تأثیراتی بنیادی در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی فضایی در جهان گذاشته است (Ziari, 2003: 153). به طوری که در حوزه اجتماعی، تحولات اجتماعی از قرن ۱۸ شروع و در قرن ۱۹ گسترش و در قرن ۲۰ پس از جنگ به اوج خود رسید. حوزه‌های فرعی در بعد اجتماعی شامل حوزه طبقه، حوزه جنسیت و حوزه نژاد ایجاد شد. در حوزه سیاست، پیدایش نظام‌های سیاسی جدید، فروپاشی نظام‌های استبدادی کهن، ایجاد نظام‌های جمهوری، تغییر نگرش در صحنه‌های سیاسی. در حوزه اقتصاد، تغییر در زیرساخت‌های اقتصادی، روابط اقتصادی میان شهروندان، تغییر الگوی شغلی و الگوی مصرفی، تقسیم‌کار. در حوزه فرهنگی، تحول در نظام‌های فرهنگی، تحول در ایدئولوژی، امنیت فردی و اجتماعی و... در نهایت در حوزه فضایی-کالبدی، ایجاد مگالوپلیس‌ها، تحول در نظام و شبکه شهری، تغییر در مسکن، تغییر الگوی زیست و... را به وجود آورده است.

جهان کنونی، دچار تغییر و تحولاتی شده که این تحولات، روندهای جدیدی را به وجود می‌آورد. در این بین، سه موضوع مختلف را می‌توان بیان کرد: برخلاف آن حرکت کرد؛ ایستاد و مقاومت نمود و یا اینکه در طول آن قرار گرفت و آن را همراهی کرد. پست مدرنیسم در بین موضوع‌های یادشده گزینه سوم را توصیه می‌کند و حتی خواستار پویایی این روندهاست و معماران و شهرسازان پست‌مدرن، کسانی هستند که همواره خود را ملزم به رعایت اصولی می‌دانند که همکاری و تعامل با مشتری، کدگذاری مضاعف، ایجاد صمیمیت و آرامش و چشم‌اندازهای چشم‌نواز، پذیرش مفهوم گرایی و بهره‌جویی از استعاره و مابعدالطبیعه پیشرفته، تلقی پیچیدگی خود سازمان‌یافته از شهر و سکونتگاه‌های انسانی و احترام به سایرین و التذاذ از تفاوت و تنوع از عمده‌ترین آن‌ها محسوب می‌شود (Jamali & Heydari Chapaneh, 2001: 114).

به هر حال، تغییرات چند سده اخیر متأثر از مدرنیسم و پس از آن، شهرها را دچار تغییر و تحولات گسترده‌ای کرده که به اعتقاد اکثر صاحب نظران، این تغییرات جوابگوی بسیاری از نیازهای زیستی و اجتماعی آن‌ها نبوده است. ارزیابی‌های صورت گرفته از وضعیت شهرها، بسیاری را در پایان هزاره دوم، متوجه وجود ناهماهنگی در فرآیند تغییر و تحول شهرها با خواست‌ها و نیازهای ساکنین آن‌ها نمود (Soltani & namdarian, 2010: 124). در همین راستا انتقادات زیادی از سوی صاحب نظران مسائل

شهری را در مورد شهرسازی مدرن مطرح ساخته است. شدت این انتقادات بیشتر متوجه کیفیات کالبدی- فضایی و جنبه‌های نامطلوب اجتماعی حاصل از این نظام شهرسازی بوده است (Ghorbani & Jame Kasra, 2010: 56). هابرماس نیز با انتقاد از معماری مدرن، معتقد است بلوک‌ها در گذشته رو به خیابان داشتند و در پشتشان حیاط و باغ بود. امروزه این سبک معماری قدیم بر اثر تغییراتی که در شکل خیابان و میدان‌ها به وجود آمده به هم خورده است. در سبک معماری جدید جایی برای حوزه خصوصی جداگانه اشخاص وجود ندارد و هیچ فضای گسترده‌ای برای روابط جمعی و ملاقات‌های عمومی لحاظ نشده است (Habermas, 2008: 252). به گفته لیوتار پست مدرنیسم درک مدرنیسم همراه با بحران‌هایش است. و مفهوم بحران نقش مهمی در مباحث پسامدرن دارد. به باور ایشان آنچه پسامدرنیسم را به وجود آورده است دقیقاً بحرانی است که گرفتار آن شده‌ایم. دلیل این بحران دگرگونی‌های گسترده‌ای بود که از ابتدای قرن بیستم و به‌ویژه از نیمه دوم آن در عرضه علم و فناوری ظاهر شدند. باوجود این پست‌مدرنیسم به دنبال نقد مدرنیته است و حالت ایجابی و ساختن بنایی تازه بر ویرانه‌های مدرنیته را هنوز به خود نگرفته است. خود واژه "پست مدرنیسم" تعبیری گیج‌کننده می‌باشد که نشانگر آن است که عصر مدرن، که همواره آن را با تمامی چیزهای نو و مترقی برابر پند داشته‌ایم، به دوران کهولت، از کارافتادگی و بازنشستگی خود رسیده است (Nozari, 2000: 80). بنابراین با حیاتی سرشار از تنوع، تکثر، علائق و سلائق انسان‌ها روبرو هستیم که یکسانی و یکنواختی مدرن را کنار زده و فضای رنگارنگ زندگی حقیقی انسان‌ها را به تصویر می‌کشند. در واقع این همان فلسفه پست‌مدرن است که کالبد شهر در آن مطابق با نیاز شهروندان شکل می‌گیرد، نه بر اساس خواسته‌های برگرفته از عقلانیت تک‌گفتار مدرنیستی. بدین ترتیب شاخص‌ترین جهت‌گیری ارزشی در این رویکرد عبارت است از این اعتقاد عمومی که هر کس باید بتواند آن‌گونه باشد که می‌خواهد (Papeli Yazdi & Rajabi Sanaajerdi, 2010: 156).

از سوی دیگر، پست‌مدرنیسم نیز در زمینه اقتصادی، نفی اقتصاد دولتی و تأکید بر اقتصاد بازار آزاد، در زمینه اجتماعی نفی عقل‌گرایی مدرنیته و تأکید بر همه جنبه‌های غیرعقلانی، در زمینه سیاست نفی تمرکزگرایی سیاسی و تأکید بر دولت‌های لیبرال و آزاد و اینکه در زمینه روش‌شناسی نفی مرکزیت علم یا علم پوزیتیویستی و تأکید بر استفاده از همه روش‌های شناخت پدیده‌های اجتماعی می‌باشد (Afzali & Amiri, 2011: 46). پست‌مدرنیسم نیز پیکره‌ی پیچیده و درهم تنیده متنوعی از اندیشه‌ها، آراء و نظریاتی است که در سراسر اروپا و ایالات متحده به‌ویژه در محافل آکادمیک و در میان دانشگاهیان، معماران و طراحان، هنرمندان، مجریان برنامه‌ها و در تبلیغات و رسانه‌های گروهی و مطبوعات و وسایل جمعی اشاعه و گسترش یافته است. بیش‌ترین کارها، آثار و فعالیت‌هایی که تحت عنوان پست‌مدرن صورت گرفت؛ اساساً در عرصه معماری و به‌طور عمده در ایالات متحده امریکا و در عرصه علوم اجتماعی یا اندیشه اجتماعی نیز در فرانسه بود (Nozari, 2000: 80).

در همین راستا، مطالعات متعددی توسط پژوهشگران انجام یافته است. یزدانی و محمدی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای به بررسی تأثیر مدرنیسم بر تحولات کالبدی شهرهای ایرانی- اسلامی، نمونه تبریز پرداخته‌اند و نتایج حاکی از آن است که تحولات شهری معاصر تبریز بیشتر ناشی از ظهور مدرنیسم در اقتصاد، اجتماع، سیاست، فرهنگ، و غیره است که تحولات کالبدی شهر تبریز را به وجود آورده است. شمعی (۱۳۸۹) در پژوهشی نقش الگوهای شهرسازی سنتی در شهرسازی مدرن شهر یزد پرداخته‌اند و نتایج آن نشان می‌دهد که شهرسازی سنتی و مدرن، برخلاف نظر بعضی از محققان نه تنها در تقابل و تضاد نیست، بلکه در روند دستیابی به بومی‌سازی و توسعه پایدار شهر مکمل یکدیگرند. پارس‌پور و توانا (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان پست‌مدرنیسم و شهر با تأکید بر الگوها و طرح‌های برنامه‌ریزی شهری، به این نتیجه رسیدند که تغییر پارادایم مدرنیسم به پست‌مدرنیسم در شهرسازی سبب تغییر نگرش در دیدگاه‌های اقتصادی و اجتماعی در طرح‌ها شده است به‌گونه‌ای که شاهد جایگزینی طرح‌هایی مثل طرح‌های ساختاری-راهبردی و همچنین طرح‌های استراتژی توسعه شهری و سایر طرح‌ها به جای طرح‌های جامع مدرنیستی بوده‌اند که اصل را بر منطقه بندی و تفکیک کاربری اراضی می‌گذاشت و در نهایت در چارچوب پارادایم پست‌مدرنیسم مطالعات و برنامه‌ریزی‌ها جنبه چندبعدی به خود گرفته و تأکید بیشتر بر مشارکت‌های مردمی است. قبادیان و رضایی (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی نخستین میدان مدرن شهر تهران، بررسی دگردیسی تاریخی- فضایی میدان‌های کهن تهران تا دوره مدرن پرداخته‌اند و نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که میدان توپخانه که در دوره قاجاریه و زمان سلطنت ناصرالدین‌شاه شکل گرفته، نخستین میدان احداث شده در تهران است که ویژگی فضاهای شهر مدرن در آن پایدار شده است. و از سایر مطالعات در این زمینه می‌توان به "شهر همچون چشم‌انداز، نگرشی فراتر از فرا نوگرایی به طراحی و برنامه‌ریزی شهری" از تورنر (۲۰۰۵)، "پست‌مدرنیسم در شهرسازی" از شافعی (۲۰۰۰)،

"شهر امروز و شهرسازی فرا مدرن" از شالی امینی (۲۰۰۴)، "شبهات‌ها و تفاوت‌های معماری مدرن و پست‌مدرن" از عسگری و شافعی (۲۰۱۲) و "الگوهای خلق فضا در معماری با تکیه بر پارادایم‌های نظری پسامدرن" از سوهانگیر و نصیر سلامی (۱۳۹۳) اشاره کرد.

اثرات منفی حاصل جنبش جهانی مدرنیسم در ایران و همچنین توسعه ناهماهنگ شهری در دهه‌های اخیر باعث نوعی از هم‌گسیختگی در ساختار کالبدی-فضایی شهری شده است (Sedaghat Jahromi, 2008: 1). رشد و توسعه ناموزون شهرها، نه تنها باعث گسستگی‌های فضایی و تخریب محیط‌زیست، کاهش امنیت و بی‌هویتی در شهر می‌شود، بلکه عدم توجه به شناخت و بهره‌گیری مناسب از شیوه‌های سنتی و مدرن موجب گسستگی کالبدی، گسستگی فرهنگی و اقتصادی-اجتماعی شده است. شهرهای کشور که گرفتار دنیای مدرن شده است و در گروی کشورگیر کرده، البته، رفع اشکال در فهم صحیح مدرنیته است چراکه، از شرایط جهانی، گریزی نیست (Farah, 2007: 116). بنابراین تلفیق دانش و تجربیات بومی و مدرن و پسامدرن از ضروریاتی است که می‌تواند ضمن حفظ هویت شهری، ایمنی، زیبایی، توسعه پایدار شهری را تحقق بخشد (Shamai & Pourahmad, 2005: 253-256). در همین راستا کلانشهر تهران نیز از این قاعده مستثنی نبوده و ساختار کالبدی - فضایی آن تحت تاثیر پارادایم فکری مدرنیسم و پست مدرنیسم بوده است. با وجود این، کلانشهر تهران با قدمت تاریخی و به عنوان مهم‌ترین شهر کشور در دوره‌های رشد و گسترش خود با تغییرات کالبدی عیدهای رو به رو بوده است. سازمان فضایی تهران نیز در گذر زمان متناسب با دگرگونی‌های نظام‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی متحول شده است. احداث شبکه‌های جدید ارتباطی، معماری غرب محور و نامتناسب با ویژگی‌های فرهنگی و بومی، الگوی شطرنجی، ساخت و سازهای جدید و فعالیت‌های عمرانی، جابجایی وسیع جمعیتی درون شهری و بوجود آمدن مشاغل جدید، همراه با برنامه‌های خدماتی شهر بر روی این کالبد و سازمان فضایی شهر تاثیر بسزایی داشته است. بنابراین هدف از پژوهش حاضر، ارزیابی ساختار کالبدی-فضایی کلانشهر تهران از دیدگاه فکری مدرنیسم و پست مدرنیسم می‌باشد. در این چهارچوب هر یک از مفاهیم اساسی مرتبط با موضوع پژوهش موردبررسی قرار خواهد گرفت و همچنین این تحقیق سعی دارد با تحلیل شرایط وضع موجود و میزان اثرگذاری هر یک از پارادایم‌های مورد بررسی بر ساختار فضای کلانشهر تهران را نشان داد.

در خصوص مبانی نظری پژوهش حاضر می‌توان گفت کلمه مدرن از ریشه لاتین "Modernus" گرفته شده است. برخی آغاز مدرنیسم را به جنبش رنسانس و برخی به ظهور فیلسوفان عقل‌گرا و برخی به عصر روشنگری نسبت می‌دهند. به تعبیر دیگر مدرنیته جنبشی است که پایه‌های آن در قرن شانزدهم و در دوره رنسانس در غرب بنیان گذاشته شد. این جنبش از زمانی مطرح شد که تجربه‌گرایی، خردگرایی و انسان‌گرایی به جای جزم‌گرایی کلیسایی و اندیشه‌های ارتجاعی قرون وسطی مبنای ارزیابی پدیده‌های جهانی قرار گرفته موجب تحولات سریعی در فرهنگ و تمدن اروپایی گردیدند. علاوه بر تحولات خردگرایی در رنسانس، وقوع رخداد‌های مهمی همچون رفورماسیون (اصلاح مذهبی)، روشنگری انقلاب فرانسه و انقلاب صنعتی از ارکان اساسی مدرنیته هستند. مدرنیته عبارت از نوعی حالت یا کیفیت یا ویژگی مدرن و نوعی تجربه مدرن است. ایده مدرنیته بیانگر تازگی، بداعت و نو بودن زمان حال، به‌عنوان گسست یا انقطاع از گذشته و ورود به آینده‌ای به‌سرعت در حال ظهور و در عین حال نامطمئن و ناپایدار است. مدرنیته در نقطه مقابل گذشته‌گرایی، کهنه پرستی، رکود، عقب‌ماندگی، قدیمی‌بودن و بی‌ذوقی و بی‌سلیقگی قرار می‌گیرد (Shamai & Pourahmad, 2005: 173). مدرنیسم به دوره‌ای اطلاق می‌شود که در آن آرمان‌های بورژوازی، جهان اندیشی، علم‌باوری، کلی‌گرایی، فراروایت‌ها، سلسله‌مراتب، فشار و نظامی‌گری، حوزه‌های گسترده‌ای را در جهان ما و پهنه زندگی تشکیل می‌داد. بحث از مدرنیسم به یک اعتبار صحبت کردن از همه چیز است به همین جهت انگشت گذاشتن به ماهیت جهان مدرن و مشخص نمودن آن بسیار دشوار است. مدرنیته مشخصه تمدن غرب پس از خاتمه قرون وسطی است، مدرنیته از نظر هگل بالاترین مرحله تکامل تاریخ و بالاترین مرحله رشد انسانی است (Shakoei, 2002: 63). مدرنیسم از حدود سده پانزدهم آغاز می‌گردد با ویژگی‌های چون ابداع، نوآوری، خلاقیت، پیشرفت، رشد و تکامل همراه بود که نقطه مقابل کهنه‌پرستی، گذشته‌گرایی، رکود و... بود. شروع دوران روشنگری نوید بخش پیروزی خرد انسانی بر موهومات خرافات و باورهای مذهبی و اخلاقی بوده و به خصوص آراء مذهبی کلیسا به شدت مورد انتقاد گرفت (Giddens, 1998: 7) مدرنیسم جنبش عظیمی است که متعاقب انقلاب صنعتی شکل گرفته و بر پایه خرد و قدرت تکنولوژی در پی سعادت انسانی بود و شهر نیز به‌عنوان نماد تمدن مدرن، تحولات بزرگی را از آن پذیرفت (Parsipoor & Zieatavana, 2013: 58). برنامه‌ریزی مدرنیسم بین سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰ در دو

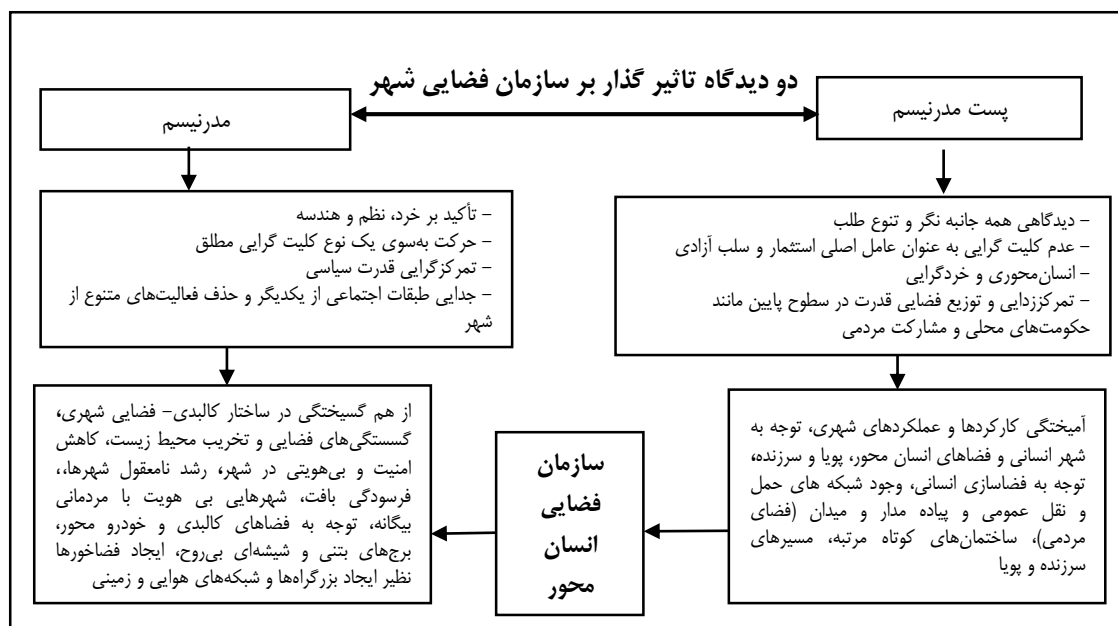
سوی اقیانوس اطلس آغاز شد و نشانه‌های آن را می‌توان در جنبش‌های اولیه‌ی برنامه‌ریزی در شهر زیبا یا باغ شهر پیدا کرد. این آغاز با نمودار شدن جنبش مدرنیسم در معماری همزمان بود و در برنامه‌ریزی شهری غرب تا اواخر دهه ۱۹۶۰ پارادایم مسلط بود. پس از بحران بزرگ اقتصاد جهانی (۳۲-۱۹۲۹)، بر اساس منشور آتن (۱۹۳۳)، که در کنگره بین‌المللی معماران مدرنیستی به دست لوکوربوزیه تنظیم شد، تمایز کارکردی میان کالبد و ناکالبد در زندگی شهری مورد تأکید قرار گرفت (Pazhuhan et al, 2013: 18) و بارزترین نمونه آن، آسمان‌خراش‌ها هستند. که تنها به ماشین و زندگی ماشینی قرن بیستم توجه داشته و به نیازهای انسان توجه نداشته است. به طوری که به شدت تحت تأثیر وسایل و ابزار جدید و حمل نقل قرار گرفته، شهر را شبکه‌ای از خیابان‌های موازی و عمود برهم می‌دانستند. از آن‌ها استاندارد گرایی باعث می‌شود که حداقل فضا اشغال شود. بنابراین اندیشه‌های مدرنیستی مربوط به توسعه شهرها و شهرسازی را می‌توان در آثار نویسندگان مکتب ترقی‌گرا همچون اوئن، فوریه، کابه، گارنیه، استروملین، آتو، لوکوربوزیه و نهایتاً در منشور آتن و منشور ۲۰۰۰ یافت. مکتبی که در نیمه دوم قرن ۲۰ هیچ‌کدام از نظریه‌ها و تفکرات آن زمان همچون رفتارگرایی، طبیعت‌گرایی، انسان‌گرایی و حتی پست‌مدرنیسم توانایی مقابله با آن را نداشتند. اما امروزه بسیاری از میانی و فرضیه‌های مکتب مدرنیسم اعتبار خود را از دست داده مورد نقد قرار گرفته‌اند (Ziari, 2003: 12).

واژه پسامدرنیسم جنبش فکری گسترده‌ای است که رشته‌های مختلفی از هنر، معماری، نظریه اجتماعی و سیاست را در نوردیده است که از دهه ۱۹۶۰ و به خصوص در جریان رویدادهای اواخر این دهه در اروپا و امریکا شکل گرفت و همراه با جنبش‌های انتقادی و اجتماعی و سیاسی در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ گسترش یافت (Rabbani & Badri, 2008: 39). شروع بحث در مورد جریان‌های فکری پسامدرن، به اندیشه پست‌مدرن و نگرشی که به مفهوم مدرن داشته، باز می‌گردد. به طوری که در ربع آخر قرن بیستم اندیشه پست‌مدرنیسم میدان‌دار عرصه تفکر شده است. متفکرانی چون فوکو، لیوتار، دریدا و بوردیا، هر یک به گونه‌ای، میراث مدرنیته را با نقد بنیان برانداز خویش بر جدال خوانده‌اند (Rahbari, 2006: 134). قرائت جریان پست‌مدرن امر سهل و ممتنع است بسیاری از محققان، پست‌مدرنیسم را جریانی مستمر و در راستای اندیشه‌های مدرنیسم دانسته و چون برای مدرنیسم دو نوع خرد، ابزاری و انتقادی، قائل‌اند؛ در نتیجه وجود پست‌مدرنیسم را در محور نقد اندیشه‌های مدرنیسم می‌دانند (Dabagh & Mokhtab, 2011: 60).

دوران مدرن که به نظر می‌رسید برای همیشه دوام خواهد یافت به تندی جزئی از گذشته می‌گردد. مرحله صنعتی جای خود را به سرعت به دوره فرا صنعتی داده و کار کارخانه‌ای به دفاتر و منازل منتقل می‌شود. در این میان آنچه که روشن است مدرنیسم به‌ویژه در شهرها نتوانست به آنچه که وعده داده بود جامه عمل بپوشاند و رشد نامعقول شهرها، فرسودگی بافت آن‌ها و شهرهایی بی‌هویت با مردمانی بیگانه از خویش را در چهره شهرها برجای گذاشت (Ezatpanah, 2008: 41) امروزه دیگر آشکار شده است که برج‌های بتنی و شیشه‌ای بی‌روح زینده شهرهای هزاره جدید نیستند. انسان خسته شهرنشین کنونی حداقل انتظاری که از سبک‌های شهرسازی دارد این است که لحظاتی چشمانش را بنوازد (Jamali & Heydari Chapaneh, 2001: 91). بنابراین در تقابل با شهرسازی خردگرایی مدرنیسم و برای پاسخ‌گویی به پیچیدگی‌های شهرهای امروزی عده‌ای از متفکران پست‌مدرنیسم را مطرح نمودند (Sobhani: 2012: 36).

اصطلاح پست مدرن به عنوان یک صفت برای همه روش‌ها و رویه‌های مربوط به عقاید، اصطلاحی فراگیر و همه جانبه است. این اصطلاح برای ارجاع به هر چیزی که التقاطی، چند فرهنگی و نامتجانس است، استفاده می‌شود. پست‌مدرن مربوط به گذشته است همچنان که به آینده نیز مربوط است، پست‌مدرن مخالف با فرا روایت‌ها، به‌ویژه پیشرفت، منطق و حقیقت کلی است. در مقایسه با "قطعیت" مدرن، پست‌مدرن "زمان حال ناتمام و ناقص" و "آینده نامعین" است (René Short, 2009: 54-53). در ربع آخر قرن بیستم، نظریه پست مدرنیسم توسط متفکرانی چون کارل پوپر، تامس کوهن، دیوید هاروی، میشل فوکو، ژاک دریدا در نقد و یا در بازنگری و اصلاح اصول مدرنیسم شکل گرفت. هر یک از این متفکران از زوایای گوناگونی اندیشه‌های مدرنیسم را به نقد کشیده‌اند. نقد شهرسازی و معماری مدرن از مباحث مهم جنبش پست‌مدرنیسم است. در دهه ۱۹۶۰ اوج انتقادات به شهرسازی مدرنیستی شکل گرفت. جان گالبرایت در کتاب وضعیت جدید در جوامع مابعد صنعتی می‌گوید: مدیران جدید به دلیل داشتن حرفه تخصصی ساختاری تکنیکی به وجود آورده‌اند. تصمیمات خود را بر جامعه تحمیل می‌کنند و سیاست را حرفه‌ای می‌نمایند. مار کوزه در کتاب انسان تک‌ساختی از آدم‌های استاندارد شده‌ای نام می‌برد که فقط بر اساس تخصص و نه ایدئولوژی

مدیریت می‌کنند. ویلیام رایت، مدیران جدید اروپا را انسان‌سازمانی نام‌گذاری کرده است که مطابق دستگاه دیوانی تربیت شده‌اند و نوع باب و آرمانی انسان عقلایی و بری را تشکیل می‌دهند (Papeli Yazdi & Rajabi Sanaajerdi, 2010: 156-155). پست مدرنیسم برخلاف مدرنیسم که معتقد به حرکت به سوی یک نوع کلیت‌گرایی مطلق است بر این عقیده است که کلیت‌گرایی خود عامل اصلی برای استثمار و سلب آزادی انسان است به طوری که در این فضا از انسان رفع مسئولیت شده و او نمی‌تواند دارای عقیده، فکر و نظر مستقلی باشد و بر آن پافشاری کند (Alamdari, 1994: 67). یکی از خصوصیات مهم نگرش پست مدرنیسم مخالفت با ساختارهای سیاسی حاکم بر سیستم برنامه‌ریزی فضایی دوران مدرنیسم می‌باشد. بدین معنی که پست مدرنیسم، تمرکزگرایی قدرت سیاسی و دخالت گسترده بخش‌های دولتی و شرکت‌های بزرگ بخش خصوصی و سایر گروه‌های فشار در امر برنامه‌ریزی در سطوح مختلف فضایی را به چالش کشیده بر تمرکززدایی و توزیع فضایی قدرت در سطوح پایین مانند حکومت‌های محلی و همچنین بر مشارکت مردم تأکید می‌کند. در دوران پست مدرنیسم انسان محوری و خردگرایی مورد پذیرش قرار می‌گیرد بدین معنی که هر فرد و یا گروهی می‌تواند ارزش‌ها و اهداف مورد نظر خود را بر دیگران تحمیل کند. بنابراین شهر پست مدرن شهری است عمدتاً خیالی و تصویری و با فرهنگ خودساخته، و چنین شهری مرکز مصرف و به کارگیری فرهنگ تک‌تک افراد و از طرفی مصارف دیگر است و نمی‌تواند جدای از علائم فرهنگی و تصورات افراد به وجود آید و شیوه زندگی شهرنشینان و فعالیت‌های جنبی (حاشیه‌ای) آن‌ها تا حدود زیادی در تغییر ظواهر و مناظر شهر مؤثر واقع می‌شود. بنابراین یک رابطه مبهمی بین منظر شهر و سیاست‌های متفاوت اتخاذ شده وجود دارد (Fincher, 1998: 255). مجموع مطابق مبانی نظری و پیشینه تحقیق، مدل مفهومی پژوهش در بررسی و ارزیابی ساختار کالبدی از دیدگاه مدرنیسم و پست مدرنیسم آن در سطح شهرها مطابق شکل (۱) ارائه گردید.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

معماری مدرن در معنای اصلی کلمه گذر از تاریخ و گذشته است و هرگونه اطلاعات فرهنگی و تاریخی در فضاهای شهری را نه تنها زائد بلکه مضر می‌داند و تمامی تلاش آن در جهت پاک نمودن این اثرات می‌باشد (Sattarzadeh, 2010: 177) در حالی که در پست مدرن به نوعی توجه اکید به سنت و تاریخ هر فرهنگ و تمدنی از جنبه‌های اصلی این سبک معماری می‌باشد. به بیان دیگر، بست و کلنر معتقدند که معماری مدرن تاریخ را رد می‌کند در حالی که معماری پست مدرن به خاطر برخورداری از منابع نمادین و سبکی غنی‌اش آن را حفاری می‌کند (Best & Kellner, 1997: 153). در شهرها، میراث مدرنیسم، همان برج‌های شیشه‌ای، بلوک‌های موزون و قطعات فولادی که بر شهرهای مهم جهان مانند پاریس، توکیو، مونترال و ریودوژانیرو تسلط داشت به تدریج تغییر یافت. بدین سان که از نظر دیوید هاروی، سبک معماری پست مدرنیسم، در بعضی موارد به صورت تزیینی و تقلیدی از

میدان‌های قرون وسطی و دهکده‌های ماهیگیری درمی‌آید. در مدرنیسم فضای شهری بر اساس هدف‌های اجتماعی شکل می‌گیرد. در حالی که در پست‌مدرنیسم، فضا را شیئی مستقل که بیشتر جهت هدف‌های زیبایی شناختی شکل یابی می‌کند در نظر می‌آورند. با همه این‌ها، در داخل شهرها، معماری، برنامه‌ریزی و توسعه تأکید بر مقیاس‌های بزرگ، خردگرایی تکنولوژیک، کارکرد کارآمد و سبک التقاطی را در پیش می‌گیرد. زیبایی التقاطی که در معماری شهری دیده می‌شود ارتباط نزدیکی را با عامل قدرت در مکان‌ها و شرایط اجتماعی به نمایش می‌گذارد. بنابراین، کنترل فضا یک مقوله اساسی در پست‌مدرنیسم محسوب می‌شود (Shakoei, 2002: 140). از ویژگی‌ها و خصوصیات شهرنشینی و شهرسازی مدرن و پست‌مدرن این است که در دوره‌ی مدرن برنامه‌ریزی برای بلندمدت بوده و جایگاه برنامه‌ریزی کالبدی در قالب طرح‌های جامع، هادی و تفصیلی تعیین می‌گردیده است. با وجود این، تحولات مختلف اجتماعی و وقایع پیش‌بینی نشده در این برنامه‌ریزی کمتر ملحوظ می‌گشت. از سوی دیگر در شهرسازی پست‌مدرن، برنامه‌ریزی خویش را برای یک جامعه‌ی متغیر و پیچیده با آینده‌ای پیش‌بینی نشده و به گونه‌ای انعطاف‌پذیر ارائه می‌کند. بنابراین پروژه‌های شهرسازی منطقه بر نیازهای متغیر جامعه شکل می‌پذیرند و اهداف طرح‌ها بر اساس شرایط، قابلیت اصلاح و تغییر دارند (Shali Amini, 2004: 103).

در حوزه شهرسازی مکتب پست‌مدرن، تأکید مدرنیستی بر خرد، نظم و هندسه را رد می‌کنند؛ و برای رسیدن به تنوع و تفاوت تلاش می‌کنند. شهر سازان پست‌مدرن نه تنها بر اختلاط کاربری‌های زمین، برای سرزنده کردن مکان‌های شهری، علاقه نشان می‌دهند، بلکه بازگشت به خیابان‌های شهر، میداين و ساختمان‌های کم ارتفاع را تشویق می‌کنند و در نهایت مشوق حرکت پیاده و تا حدودی کنترل خودروها در فضای شهر هستند (Madanipour, 2000: 289-284). شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری پست مدرنیستی عواملی مانند: تحسین فضاهای تاریخی و بازگشت به فرم‌های شهری سنتی، شامل شبکه خیابان‌بندی سنتی، جست‌وجو برای هویت شهری و فرهنگ شهری، کاربری ترکیبی و منطقه‌بندی انعطاف‌پذیر و حتی بدون منطقه بندی و نیز، تعقیب فضاهای شهری فشرده، خلاق، کوچک‌تر، انسان محور با عابر پیاده دوستانه و تراکم بالا را سرلوحه خود قرار می‌دهد (Healy & Williams, 2000: 712-715; Wheeler, 2000: 140; Virág, 2005:9; Madanipour, 2000: 289-284; Hirt, 2003: 29; Ellin, 1999: 91). در کل در جدول (۱)، تفاوت‌های کلی بین مدرنیسم و پست‌مدرنیسم مقایسه شده است.

جدول ۱. تفاوت‌های کلی فضایی کالبدی در دو پارادایم فکری مدرنیسم و پست‌مدرنیسم

پست مدرنیسم	مدرنیسم
آمیختگی کارکردها و عملکردهای شهری	منطقه‌بندی شهر از لحاظ کار، سکونت و تفریح و تفکیک عملکردها و کاربری‌های شهری (ایجاد کوی‌های تعاونی و کارمندی در تهران)
دیدگاهی همه جانبه نگر	دیدگاه کالبدی
توجه به گذشته، تاریخی‌گری، حافظه تاریخی و مدنیت و ایجاد فضایی در ارتباط با گذشته	قطع ارتباط با گذشته و ایجاد فضاهایی جدید و نو
توسعه فضاهای عمومی و افزایش قرارگاه‌های رفتاری	عدم توجه به عرصه‌های عمومی و قرارگاه‌های رفتاری
توجه به فضاهای انسان محور، پویا و سرزنده	توجه به فضاهای کالبدی و خودرو محور
ساختمان در راستای خیابان و مطابق با آن	معماری و ساخت و ساز بلندمرتبه و دانه‌دار
تراکم متوسط و کاربری ترکیبی (mix)	تراکم بالای افراد در واحدهای مسکونی
یکپارچگی و هماهنگی سکونتگاه‌ها	تغییر در الگوی سکونتگاه‌ها
توجه به فضا سازی انسانی، شبکه‌های حمل و نقل عمومی و پیاده‌مدار	ایجاد فضاخورها نظیر ایجاد بزرگراه‌ها و شبکه‌های هوایی و زمینی
تقویت حضور شهروندان در فضاهای شهری	عدم حس همبستگی در فضاهای شهری
توجه به فرهنگ، سرمایه اجتماعی و افزایش مرادوات اجتماعی	نبود سرمایه اجتماعی و مرادوات اجتماعی
افزایش حس تعلق و هویت	ساخت فضاهای بی‌هویت
توجه به ترکیب کاربری‌ها و وجود تنوع در ساخت مسکن	انبوه‌سازی مسکن به شکل گسترده و یکدست
رشد هوشمند شهری	استفاده بی‌رویه از اراضی شهری و گسترش افقی و بی‌برنامه
تاکید بر مشارکت و شهرسازی مشارکتی	توجه بر وجود دولت
بازگشت به بناهای گذشته و قدیمی	گسست از گذشته
توجه به چشم‌اندازهای شهری	عدم توجه به منظر سازی و ایجاد سیما (تصویر ذهنی)
توجه به اقتصاد بازار آزاد و افزایش کاپیتالاسم مردمی، حکومت‌های محلی و افزایش مشارکت مردم	تمرکز گرایی و نقش پر رنگ دولت (کاهش فضاهای مردمی و در دست نامرئی بازار، افزایش فضاهای خصوصی و تجاری نظیر مغا‌مال‌ها و هایپر استارها)
وجود اصل اختیار در کالبد شهر (تنوع، تکثر، علائق و سلايق انسان‌ها)	نبود اصل اختیار و وجود عقلا‌نیت تک‌گفتار (یکسانی و یکنواختی)
ایجاد فضاهای مردمی و مدنی	افزایش فضاهای خشک همراه با سلول‌های تنهایی
وجود میدان (فضای مردمی)، ساختمان‌های کوتاه مرتبه، مسیرهای سرزنده و پویا	وجود فلکه، بزرگراه و ساختمان‌های بلندمرتبه و آسمان خراش‌ها و خط آسمان ضربان قلبی

## روش پژوهش

روش تحقیق با توجه به ماهیت کار از نوع توصیفی-تحلیلی است. روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی بوده است. برای ارزیابی میزان تاثیرات دو پارادایم مدرنیسم و پست مدرنیسم بر ساختار کالبدی کلانشهر تهران از ۲۱ مولفه استفاده شده است که از این مقدار حدود ۱۲ مولفه مربوط به پارادایم مدرنیسم و حدود ۹ مولفه نیز متعلق به پارادایم فکری پست مدرنیسم می‌باشد (جدول ۲). برای انتخاب خبرگان و متخصصان، چون هدف تعمیم نتایج نیست، از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. معیارهای انتخاب خبرگان تسلط نظری، تجربه عملی، تمایل و توانایی مشارکت در پژوهش و دسترسی است. نکته قابل توجه در تعیین تعداد خبرگان، کسب اطمینان از جامعیت دیدگاه‌های مختلف در پژوهش می‌باشد. در مرحله اول برای کسب دیدی جامع از واقعیت موجود، مصاحبه‌های با خبرگان شامل استادان و کارشناسان دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی صورت گرفت و در مرحله دوم پرسشنامه‌ای مرتبط با موضوع برای متخصصین امر و اساتید دانشگاه‌های مختلف طراحی شد. در این پرسشنامه برای ارزیابی میزان اثرگذاری هر یک از مولفه‌ها از تعدادی پرسش‌نامه به صورت اتفاقی در قالب طیف لیکرت از امتیاز بین ۱ تا ۵ استفاده شده است. با در نظر گرفتن معیارهای فوق، در نهایت تعداد خبرگانی که با همکاری آن‌ها فرایند پژوهش انجام گرفت، ۴۲ نفر از خبرگان و متخصصین می‌باشند. و در نهایت برای تجزیه و تحلیل هر یک از آنها از مدل تاپسیس استفاده شده است. در نهایت، برای پایایی ابزار از آلفای کرونباخ استفاده شده است. این ضریب دقت و اعتبار ابزار سنجش را مورد آزمون قرار می‌دهد. بر این اساس، ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه طراحی شده بالای ۰/۷۵ درصد می‌باشد که این مسئله نشان دهنده پایایی سوالات پرسشنامه و همبستگی دورنی سوالات برای سنجش و ارزیابی تحقیق است (جدول ۳).

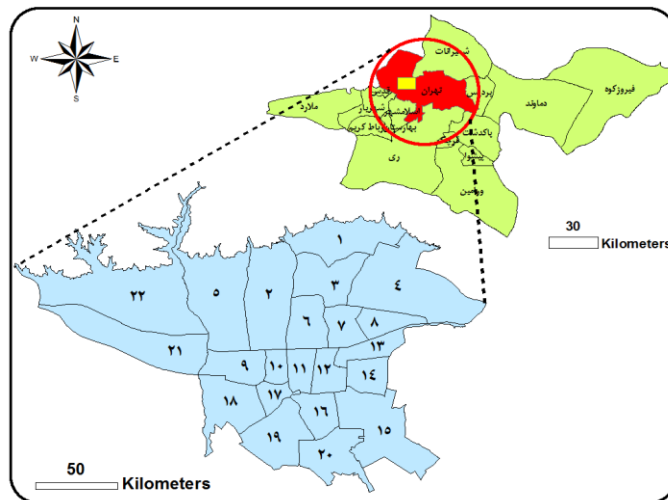
جدول ۳. تاثیرات الگوی فکری مدرنیسم و پست مدرنیسم بر ساختار فضایی-کالبدی شهر تهران

پست مدرنیسم	مدرنیسم
X1= آمیختگی کارکردها و عملکردهای شهری (تأمین خدمات و وجود کارکردهای مختلط در محله‌ها و ناحیه‌ها)؛ X2= توجه به چشم اندازهای شهری (توجه به زیباسازی و منظرسازی خصوصاً در مناطق بالا)؛ X3= توجه به ترکیب کاربری‌ها و وجود تنوع در ساخت مسکن (معماری مدرن و قدیمی)؛ X4= توجه به فضا سازی همراه با شبکه‌های حمل‌ونقل عمومی (سیستم مترو و BRT)؛ X5= وجود حس همبستگی، حس تعلق، هویت و سرمایه‌ی اجتماعی در فضاهای شهری (محله‌های قدیمی با بافت روستایی مثل درکه و اوین و دربند و چیدر)؛ X6= وجود اصل اختیار در کالبد شهر (تنوع، تکثر، علائق و سلايق انسان‌ها)؛ X7= ساختمان در راستای خیابان و مطابق با آن؛ X8= توجه به اقتصاد بازار آزاد و افزایش کاپیتالیسم مردمی، حکومت‌های محلی و افزایش مشارکت مردم (شورایاری‌ها و سرای محله‌ها)؛ X9= تراکم متوسط و کاربری ترکیبی (mix).	X1= ایجاد فضاخورها نظیر ایجاد بزرگراه‌ها، شبکه‌های هوایی (فرودگاه‌ها) و پارکینگ و فلکه (بزرگراه صدر و یادگار امام و پارکینگ‌های طبقاتی)؛ X2= اینوسازی مسکن به شکل گسترده و یکدست (مسکن تعاونی و شهرک‌هایی نظیر اکباتان و آپادانا)؛ X3= عدم توجه به عرصه‌های عمومی و قرارگاه‌های رفتاری؛ X4= عدم توجه به منظرسازی و ایجاد سیما (تصویر ذهنی) و گسست از گذشته؛ X5= دیدگاه کالبدی و شهرسازی تک‌بعدی؛ X6= استفاده بی‌رویه از اراضی شهری و گسترش افقی و بی‌برنامه؛ X7= نبود اصل اختیار و وجود عقلانیت تک گفتار (یکسانی و یکتاواختی)؛ X8= توجه به فضاهای خشک، کالبدی و خودرو محور همراه با سلول‌های تنهایی (افزایش مسیرهای ارتباطی و فلکه‌ها)؛ X9= عدم وجود حس همبستگی، حس تعلق، هویت و سرمایه‌ی اجتماعی در فضاهای شهری (عدم مراوده اجتماعی بین افراد)؛ X10= تمرکزگرایی و کاپیتالیسم و اقتصاد رانتی (کاهش فضاهای مردمی و در کنترل دست نائمی بازار، افزایش فضاهای خصوصی و تجاری نظیر مگامالها و هایپراستارهایی همچون کوروش، تندیس و اکباتان)؛ X11= معماری و ساخت‌وساز بلندمرتبه و دانه‌دار آسمان‌خراش‌ها و خط آسمان ضربان قلبی (ساخت برج‌ها بدون توجیح علمی و تجربی)؛ X12= قطع ارتباط با گذشته و ایجاد فضاهایی جدید و نو (معماری غرب محور).

## قلمرو جغرافیایی پژوهش

کلانشهر تهران با اختلاف ارتفاع متفاوت از شمال به جنوب (۸۰۰ متر اختلاف ارتفاع)، در دامنه‌های جنوبی البرز مرکزی گسترده شده است. بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰، جمعیت کلانشهر تهران در مناطق ۲۲ گانه ۸۱۵۴۰۵۱ نفر است که در پهنه ای معادل ۷۱۶ کیلومتر مربع اسکان و استقرار یافته است (شکل ۱). در بین مناطق ۲۲ گانه، منطقه چهار با بیش از ۸۶۱ هزار نفر و منطقه ۲۲ با ۱۲۹ هزار نفر جمعیت، به ترتیب پرجمعیت‌ترین و کم جمعیت‌ترین مناطق شهری هستند. علاوه بر تفاوت‌های جمعیتی، تفاوت در وسعت مناطق، تفاوت در دسترسی به امکانات و سرانه‌های خدماتی و نابرابری در توزیع فرصت‌ها و منابع شهری، از دیگر ویژگی‌ها و مشخصه‌های سازمان فضایی و نظام اجتماعی-اقتصادی کلانشهر تهران است. شکل (۲) موقعیت شهر تهران در تقسیمات کشوری را نمایش می‌دهد.





شکل ۱. موقعیت جغرافیایی کلانشهر تهران در استان

## یافته‌ها و بحث

تفکر مدرنیسم به جهت تأثیر مبانی فکری و فلسفی خویش بر معماری و شهرسازی، دگرگونی بنیادینی بر انسان‌ها و فرهنگ آن‌ها، تحمیل نموده و در بسیاری موارد به صورت ناخواسته آنان را به سمتی سوق داده که سال‌ها پس از وقوع آن‌ها تبعات ناهنجار خویش را نشان داده است (Naghizadeh, 199: 85). مدرنیسم در عرصه شهری کشور ایران عمدتاً مبتنی بر معماری و شهرسازی است و به عبارتی بیشتر شاهد معماری مدرنیسم تا تفکر مدرن برنامه‌ریزی و طرح‌های نشأت گرفته از آن هستیم. این معماری مدرنیسم که متکی بر خردگرایی است ولی به برخی از اصول تعریف شده بی‌توجه بوده است. به عنوان مثال عناصر معماری که برای ساختمان‌ها تعریف می‌کند چندان مطلوب برای اصل مصرف بهینه سوخت نمی‌باشد که علت اصلی آن بی‌توجهی به معماری سنتی و ارزشمند تاریخی هر مکان جغرافیایی است. عناصر معماری مدرنیسم در شهرهای کشورها طوری است که در تمام مناطق اقلیمی کشور یکسان تعریف می‌شود و این امر حاکی از آن است که در طراحی و ساخت آن‌ها کوچک‌ترین توجهی به محیط طبیعی نشده است (Fakouhi, 2001: 8). از این رهگذر، آنچه اغلب به عنوان ورود مدرنیته به ایران شناخته می‌شود در اواخر دوران قاجار و با سفر ناصرالدین شاه به اروپا و آشنایی او با معماری اروپا و تقلید از اشکال و نهادهای کشورهای صنعتی رخ می‌دهد که در دوران پهلوی نیز تداوم می‌یابد. در دوره پهلوی به خاطر سرمایه‌گذاری بیشتر و احداث خیابان‌های جدید و متعدد شاهد تغییرات و دگرگونی‌های بسیاری بودند که این عمل چهره بناها و شهر را تغییر داد (Nazariyan, 2007: 66). در دوره رضاشاه نیز تغییراتی در ساختار کالبدی و فیزیکی شهرها به وجود آمد که بدون توجه به نتایج اقتصادی و اجتماعی آن انجام شد. این اقدامات به دنبال پیاده کردن الگوی مدرن سازی صورت گرفت. که هدف آن ایجاد شهرهای مشابه به نمونه غربی بود (Hosseinzadeh Dalir & Hooshir, 2005: 216). سال ۱۳۲۰ پایان حکومت رضاخان و پایان سال‌های پیاده شدن نهضت شبه مدرن بود. بعد از جنگ جهانی دوم و روی کار آمدن محمدرضا پهلوی در رأس حکومت اقدامات شهرسازی را در قالب برنامه‌های عمرانی به شکل زیر انجام گرفت: برنامه عمرانی اول (۱۳۲۷-۳۴) که نقطه عطفی در برنامه‌ریزی کشور محسوب می‌شود. اقداماتی از جمله؛ اصلاحات اجتماعی و شهری، کشاورزی، صنایع، تعریض خیابان‌ها، راه‌های توسعه و راه‌آهن و غیره در این برنامه انجام شد (Mashhadi Zadeh Dehaghani, 1999: 73). ولی این برنامه به خاطر بحران‌های اقتصادی ناشی از ملی کردن صنعت نفت ناتمام ماند (Azimi Bolurian, 2010: 166). در برنامه عمرانی دوم (۱۳۳۴-۴۱) اقداماتی مانند توسعه کشاورزی، تجهیز راه‌آهن سراسری، توسعه صنایع، لوله‌کشی، تصفیه آب، برق و غیره صورت گرفت. در برنامه عمرانی سوم (۴۶-۱۳۴۲) طرح‌های شهری با کیفیتی که هم‌اکنون در کشور متداول است، از ابتدای این برنامه آغاز شد (Nazariyan, 2012: 247) همچنین انجام اصلاحات ارضی در طول این برنامه که منجر به مهاجرت روستا-شهری و تشدید رشد بخش خصوصی شد، از یک سو نیروی کار ارزان برای فعالیت‌های اقتصادی در شهرها، اعم از صنعت، ساختمان و خدمات را فراهم ساخت و از سوی

دیگر بازار تولید و مصرف روستاها را نیز زیر سلطه سرمایه‌داری روبه رشد قرارداد. در برنامه عمرانی چهارم (۱۳۴۷-۵۱) مطالعات مربوط به طرح‌های جامع ۲۰ شهر (تهران، تبریز، قزوین، رشت و غیره) که بعضی از آن‌ها در برنامه سوم آغاز شده بود، خاتمه یافت و به مرحله اجرا درآمد. در نهایت در برنامه عمرانی پنجم (۱۳۵۲-۵۶) طرح‌های جامعه شهری در سرشماری سال ۱۳۴۵ برای شهرهایی که بیش از ۲۵۰۰۰ نفر داشتند تصمیم به تهیه طرح جامع گرفته شد همچنین در این برنامه مقرر شد که برای شهرهایی که کمتر از ۲۵۰۰۰ نفر جمعیت دارند، طرح هادی تهیه گردد. گرچه این عوامل نوعی مدرنیسم محسوب می‌شود و احداث خیابان‌ها و غیره یک نوع ضرورت محسوب می‌شد ولی بی‌توجهی به بافت ارگانیک شهر و آثار ارزشمند تاریخی و مذهبی را در شهر در پی داشت. برخی از اقدامات شهرسازی این طراحان که غالباً اروپایی بودند به خاطر عدم تلفیق این اقدامات با تدابیر لازم برای حفظ و احیای بافت قدیم و تقابل ستیزه‌جویانه سنت و شبه مدرنیسم، سبب فراموشی درس‌های تاریخی شهرسازی و معماری ایرانی و از بین رفتن نظام شهری محله‌ای گذشته به بهای وجود آمدن چند بلوار عریض و چند عمارت زیبا شد (Saidi rezvani, 1992: 338). از جمله نکاتی که در شهرسازی ایران، حتی تا اواخر قرن گذشته، رعایت می‌شده تداوم و استمرار تاریخی اصول و مفاهیم سنتی بوده؛ علی‌رغم اینکه به جنبه‌های نوآوری و تطبیق با زمان نیز توجه شده است. ولی آنچه امروزه فراروی شهرسازی ایران قرار گرفته، به دلیل انقطاع از گذشته تاریخی، جز تشنگی، تفرق و بی‌نظمی را تداعی نمی‌کند. جریان مدرنیسم و نوگرایی جامعه، بیش از همه، تحول جامعه شهری، آن‌هم در ابعاد کالبدی-فضایی شهر، را هدف قرار داده و مفاهیم کهن شهرسازی را به‌شدت دگرگون کرده (Aliakbari, 2004: 64). و پاره‌ای از ثمرات آن می‌توان به ساختمان‌های بلند بدون توجیح علمی و عدم وجود ریتم در خط آسمان، شریان‌های نامناسب حمل‌ونقلی، انتقال کالدهای عمومی کارکردی از فضاهای عمومی به فضاهای خصوصی، گتوسازی شهرها بر اساس طبقات اجتماعی و رشد شهرنشینی به شکلی بی‌ضابطه، بدون مهر و بدون توجه به محیط‌زیست اشاره نمود (Fakouhi, 2010: 497). با وجود این، تحولات فرهنگی و اجتماعی متأثر از مدرنیسم، گسترش سریع شهرها و پیدایش کلان‌شهرها را موجب شد و تغییراتی در فضای کالبدی شهرها به وجود آورده که منجر به ساختن فضاهای خشک، شتابزده، خودرو محور و انسان‌گریز گشته است. طراحی مناطق و محلات جدید و نوساز در شهرها اکثراً منحصر به تهیه نقشه کاربرد زمین شامل: یک شبکه شطرنجی یکنواخت فاقد سلسله‌مراتب و قطعه‌بندی زمین غالباً به صورت یکنواخت، تکراری و ضوابط تراکم ساخت، در فضاهای بین آن‌هاست. عدم توجه به بعد سوم و احجام ساختمان‌ها، ارتفاع جداره‌ها، خط آسمان و فقدان طراحی ساختمان‌های هم‌جوار و قابل‌رؤیت لبه خیابان‌ها، به‌عنوان مجموعه‌های معماری، بدون توجه به هویت کل آن‌ها، منجر به بی‌نظمی و اغتشاش و گاه یکنواختی در سیما و معماری فضاهای شهری شده و اکثراً با کیفیت فضایی نامطلوب ساخته شده است (Daryaelal, Behrang. Reyhaneh, Hoseledar Saber, 2012: 17).

بنابراین، برای نشان دادن میزان تأثیرات مدرنیسم در ساختار فضایی کالبدی شهر تهران از مدل تاپسیس استفاده شده است. نتایج حاصل از این مدل نشان می‌دهد که در بین ۱۲ عامل بررسی‌شده، مؤلفه کالبدی و شهرسازی تک‌بعدی (X5) با کسب امتیاز یک در جایگاه نخست قرار گرفته است و نشان می‌دهد که این عامل نسبت به سایر عامل در تأثیرپذیری از پارادایم مدرنیسم از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است و باعث شده شهرسازی تک‌بعدی در تهران رواج بگیرد. بی‌توجهی به اصول انسانی، هویت، حس تعلق، سرزندگی، پویایی، انعطاف‌پذیری و عوامل اجتماعی و فرهنگی در سازمان فضایی شهر تهران مشهود است. بر اساس مصاحبه با متخصصین، بسیاری از کاربری‌های فرهنگی در تهران تبدیل به کاربری تجاری و اداری می‌شوند و یا مثالی دیگر بسیاری از فضاهای سبز و زنده مناطق شمالی تهران نابود و به نفع خودرو و زیرساخت‌های آن از بین می‌روند. "نظام سرمایه‌داری فک شده"، اقتصاد رانتی و بورژوازی مستغلات شهر تهران را به زیر ساخت و ساز بی‌رویه بدون توجیح علمی و مدیریتی برده است و در مناطقی نظیر مناطق ۱، ۲، ۵ و ۲۲ شهرسازی تک‌بعدی بیشتر قابل لمس می‌باشد.

از سویی تغییراتی اساسی در ساختار فضایی کلانشهر تهران نسبت به گذشته بوجود آورده است و انسجام و ساختار اصلی با هویت ایرانی-اسلامی را از دست داده است. در کنار این عامل، مؤلفه ایجاد فضاخورها نظیر ایجاد بزرگراه‌ها، شبکه‌های هوایی (فردگاه‌ها) و پارکینگ‌های طبقاتی و فلکه (X1) با کسب امتیاز (۰/۸۷۰) در جایگاه دوم قرار گرفته است این مؤلفه توانسته است ساختار فضایی کالبدی شهر تهران را تحت تأثیر قرار بدهد و از جمله تأثیرات آن در ساختار کلانشهر تهران می‌توان به ایجاد بزرگراه‌ها نظیر بزرگراه صدر و یادگار امام و غیره اشاره کرد. لازم به ذکر است که بزرگراه صدر و یادگار امام بدون توجه به عوامل

اجتماعی و انسانی باعث چندپاره شدن محلاتی نظیر اوین، قیطریه شده‌اند. تمامی میداين و مراکز محلات سرزنده و پویا تبدیل به فلکه و فضاخورهایی نظیر پارکینگ و راه‌های شریانی شده‌اند. پیاده راه‌ها باریکتر و مسیر سواره عریض‌تر شده‌اند. سومین مؤلفه نیز معماری و ساخت‌وساز بلندمرتبه و دانه‌دار، آسمان‌خراش‌ها و خط آسمان ضریان قلبی (X11) می‌باشد. این مؤلفه هم با امتیاز (۰/۸۰۸) نسبت به دو مؤلفه (X5 و X1) بیشترین اثرگذاری در ساختار فضایی-کالبدی کلان‌شهر تهران داشته است. با توجه به این مؤلفه‌ها اکثر ساخت برج‌ها در کلان‌شهر تهران بدون توجیه علمی و تجربی بوده و گویای آن است که اکثر این برج‌ها بدون توجه به معماری ایرانی-اسلامی ساخته شده است و باعث کم‌رنگ شدن هویت معماری ایرانی-اسلامی نسبت به گذشته شده است. ساخت برج‌های بی‌ضابطه در کنار خانه‌های کم ارتفاع باعث تخریب امنیت و تخریب خط آسمان شده است. اجازه ساخت برج و ساخت وساز دانه دار در کوچه‌های کم عرض نظیر مناطق قدیمی شهر تهران (نظیر مناطق مرکزی و شمال تهران) چه توجیح شهرسازی می‌تواند داشته باشد.

بنابراین این سه مؤلفه از نظر متخصصین و نخبگان جامعه بیشترین اثرگذاری بر پیگر فضایی کالبدی شهر تهران داشته‌اند و میزان اثرگذاری این ۳ مؤلفه نسبت به سایر مؤلفه‌ها حدود ۰/۲۵ درصد می‌باشد که نشان‌دهنده اهمیت بالای این مؤلفه‌ها در بین مؤلفه‌های مورد ارزیابی می‌باشد. بنابراین سایر مؤلفه‌ها در جایگاه‌های بعدی قرار دارند و با توجه به جایگاه آن‌ها بر اساس مدل مذکور به ترتیب نشان‌دهنده میزان اثرگذاری هر یک از آن‌ها می‌باشد (جدول ۴).

در پست مدرنیسم نیز، نخستین کسانی که به مکتب مدرنیسم را موردانتقاد قرار دادند "برنامه ریزان شهری" بودند. آنان در رویارویی با چهارچوب نظری مدرنیسم (مسکن، کار، رفت‌وآمد و اوقات فراغت)، مطالعات شهری را مطرح و آن را قالب مفاهیمی همچون خوشه‌های شهری، جابه‌جایی جمعیت و مسکن بررسی کردند. همچنین وان‌آیک با طرح مباحث مردم‌شناسی و طراحی شهری و معماری از این مکتب به دلیل یکنواختی و بی‌هویتی کالبدی آن انتقاد کرد. تا اینکه مکتب فرامدرنیسم پا به عرصه گذاشت (Ziari, 1999: 12). روی‌هم‌رفته شهرسازی پست‌مدرن با آموزه‌های اصلی شهرسازی مدرن یعنی مهندسی اجتماعی، قطعیت، پیش‌بینی پذیری، تعمیم، عقلانیت فراگیر، علیت و تعیین‌گرایی به مخالفت برخاست. در عوض، به منطقه‌گرایی انتقادی، اصالت بخشی، نسبیت، تکثیر، تعدد، تنوع، برنامه‌ریزی موضعی و مورد، عدم تمرکز، محلی‌گرایی، طراحی بومی، محیط‌گرایی، برنامه‌ریزی و کالتی، مشارکت مردی و مانند آن روی آورد (Jamali & Maleki, 2004: 17).

درباره تأثیرات پست مدرنیسم در شهرسازی می‌توان گفت فضای پست مدرنیستی، تغییراتی در حوزه‌های شهری، به‌ویژه در امر برنامه‌ریزی شهری و توسعه را موجب گشت که در زمان ما به دگرگون‌سازی فرهنگی و اندیشه کارانه همراه بوده است (Shakoei, 2007: 139). در این راستا، محصول این پارادایم در شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری با ویژگی‌های منفی مانند آشفتگی نظریه‌ای در آن در بحث‌های قاعده‌مندی مناسب طراحی و برنامه‌ریزی (Arentsen et al, 2004)، ویژگی‌های کلی مثبتی را وارد عرصه شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری نیز نموده است که می‌تواند سرآغاز نوینی در روند پرداخت به شهر باشد (جدول ۵) (Shafiei, 2000: 71).

جدول ۵. نقاط منفی و مثبت در شهرسازی پست‌مدرنیسم؛

مثبت	منفی
استفاده از نمادهای تاریخی- فرهنگی	نبودن پارادایم واحد نظریه‌ای جهت طراحی و شهرسازی در متن شهرها
احیاء بناهای تاریخی	شهری مصرفی، خیالی و تصویری که هر کس ایده خاصی را در هر قسمتی از شهر برای خود دارد بدون آنکه به نظام واحد و یکپارچه طراحی فکر گردد
توجه به علوم اجتماعی و طراحی مشارکتی	تلفیق نظریه‌ها، فرهنگ‌ها و سبک‌ها در طراحی که منظر از بین رفتن شفافیت و ادراکی در شهرها می‌شود؛ از بین رفتن وحدت‌گرایی به دلیل تنوع‌گرایی بیش از حد در طراحی و شهرسازی

Source: Martinez, 2007 ; Turner, 2005; Shafiei, 2000

بر اساس مشخص‌های شهرسازی پست‌مدرن، نشانه‌های این مکتب شهرسازی را فقط به صورت لکه‌هایی در معماری شهرهایی ایران به‌خصوص تهران دید. بعد از انقلاب، دسته‌ای از معماران، به دنبال حرکت فرهنگی مدرنیستی اواخر دوره پهلوی به دنبال ریشه‌یابی در فرهنگ این ملت و ترکیب آن با امکانات تکنولوژی روز کشور برآمدند (Ziari & Yousfi, 2003: 134). در این میان ادعا شد که تجربه‌ها و فرم‌های سنتی زیادی احیا خواهد شد؛ ولی بازسازی با تمام نیرو در همان سبک قبلی جهت تغییر شکل

فضای شهری ادامه یافت و طرح‌های جدید شهرسازی برای ساخت بزرگراه‌ها و بازسازی مناطق مرکزی، بدون ارزیابی آثار فرهنگی و اجتماعی طرح‌های مشابه قبلی همچنان در حال تدارک و اجرا است که اصولاً اثر قابل توجهی از نشانه‌های شهرسازی پست مدرن که در این طرح‌ها مشاهده نمی‌گردد. به‌عنوان نمونه یکی از اصول شهرسازی پست مدرن، مشارکت شهروندان به شیوه دموکراتیک است و مشارکت در شکل مدرن و امروزین آن مربوط به جوامع باز و دموکراتیک و اوج آن در نظام‌های لیبرال-دموکراسی مدرن غربی است (Masomi, 2011: 43). تجربه کشورهای مختلف جهان در طرح‌های توسعه‌ی شهری نشان می‌دهد موفقیت طرح‌ها در بسیاری موارد از قدرت دولت خارج بوده و درگرو مشارکت مردم و نهادهای محلی هستند و تنها با جلب و اعتماد عمومی، تشویق مردم در مراحل مختلف طرح و استفاده از مشاوره عمومی می‌توان به موفقیت‌های مطلوب دست یافت (Rajabi, 2011: 113).

برای نشان دادن میزان اثرگذاری پست‌مدرنیسم بر ساختار فضایی کالبدی کلان‌شهر تهران از تعدادی مؤلفه (۹) استفاده گردیده است. این مؤلفه‌ها نیز با توجه به عملکرد و کارایی خود اثرگذاری خود را بر سیما و ساختار کلانشهر تهران کم و بیش داشته‌اند. با وجود این در بین مؤلفه‌های مورد ارزیابی، مؤلفه توجه به ترکیب کاربری‌ها و وجود تنوع در ساخت مسکن با کسب جایگاه نخست در بین مؤلفه‌های ذکر شده، بیشترین نقش را بر ساختار فضایی کالبدی کلان‌شهر تهران داشته است تاکید بر این مؤلفه نه تنها موجب افزایش سرزندگی و پیاده‌محوری می‌شود، بلکه شدت استفاده از زمین به عنوان یک منبع تجدیدناپذیر (به‌عنوان یک معضل جدی) را نیز افزایش می‌دهد و کارایی اقتصادی زمین را بالا می‌برد و این امر با ترکیب کاربری‌ها و وجود تنوع در ساخت مسکن با استانداردهای لازم می‌تواند کلانشهر تهران را به سمت عدالت فضایی سوق دهد. بر اساس اصول "شهر هوشمند" کاربری‌های مختلف و اصل تنوع بسیاری مهم تلقی می‌شود. این اصل در مناطق جدید و نوساز کمتر دیده می‌شود زیرا تسلط اقتصاد نفتی و رانتی و بورژوازی مستغلات زمین را بعنوان کالایی در جهت پیشبرد اهداف خود (ساخت و ساز) می‌دانند. اما در حوزه معماری شاهد یکدستی و نبود اصل تنوع در معماری و اشکال و مصالح آن در تهران نیستیم از سویی معماری بومی و تاریخی نیز بدست فراموشی سپرده شده است.

مؤلفه وجود اصل اختیار در کالبد شهر نیز با کسب امتیاز (۰/۸۸) در جایگاه دوم از نظر متخصصین و نخبگان جامعه واقع شده است و بعد از مؤلفه ترکیب کاربری‌ها و ایجاد تنوع، نسبت به سایر مؤلفه‌ها پررنگ‌تر باشد. همچنین این مؤلفه با توجه به تنوع، تکثر، علائق و سلايق و غیره توانسته است ساختار فضایی-کالبدی کلان‌شهر تهران را تحت تأثیر قرار بدهد. شهروندان و سرمایه‌داران بخش خصوصی بدون محدودیت همراه با اصل اختیار فضای خود را تغییر می‌دهند. وجود انواع معماری و ساخت و ساز در تهران ناشی از این مؤلفه می‌باشد.

در واقع ساختار فضایی-کالبدی کلانشهر تهران مطابق با نیازهای شهروندان شکل می‌گیرد که سرشار از تنوع، تکثر و غیره می‌باشد و در ساختمان‌های امروزی به وفور می‌توان مشاهده کرد و آن هویت کم رنگ ایرانی اسلامی که در تفکر مدرنیسم بر کلانشهر تهران حاکم شده بود، در پارادایم پست مدرنیسم این هویت پررنگ‌تر شده و در نتیجه از روح کالبدی خشک و بی‌روح فاصله گرفته است و تا حدودی توانسته است هویت و معماری ایرانی-اسلامی خود را بازنمایی کند.

در همین راستا، مؤلفه تراکم متوسط و کاربری ترکیبی با کسب امتیاز (۰/۷۷۶) از لحاظ اثرگذاری بر فضا و کالبدی کلان‌شهر تهران در جایگاه سوم قرار گرفته است. و مؤلفه‌های هم مانند آمیختگی کارکردها و عملکردهای شهری (تأمین خدمات و وجود کارکردهای مختلط در محله‌ها و ناحیه‌ها)، توجه به چشم اندازه‌های شهری (توجه به زیباسازی و منظرسازی خصوصاً در مناطق بالا)، توجه به اقتصاد بازار آزاد و افزایش کاپیتالیسم مردمی، حکومت‌های محلی و افزایش مشارکت مردم و غیره اشاره کرد که در جایگاه‌های بعدی از لحاظ اثرگذاری بر فضای کلان‌شهر تهران قرار دارند.

بنابراین با مقایسه دو پارادایم فکری مدرنیسم و پست مدرنیسم می‌توان به این نتیجه رسید که هر کدام از آنها با مؤلفه‌های که مورد بررسی قرار گرفتند، تأثیراتی روی ساختار فضایی-کالبدی کلانشهر تهران داشتند. لذا در حالت کلی می‌توان دریافت که هنوز در شهرهای کشور علی‌الخصوص کلانشهر تهران گرایش شدید مدرنیستی حاکم است و فاصله زیادی برای رسیدن به شهرسازی پست مدرنیسم وجود دارد. بنابراین باید تفکرات مدرنیسم و پست مدرنیسم را بر اساس سنت‌ها، فرهنگ‌ها، نوع زندگی و شرایط اقلیمی کشور خود به دست آورد و نباید تنها اصول این تفکرات را بدون در نظر گرفتن ارزش‌های فرهنگی و سنتی در شهرهای مختلف جهان، در کلانشهر تهران طراحی و ایجاد کرد.

جدول ۴. نتایج حاصل از مولفه‌های مورد سنجش در دو پارادایم فکری مدرنیسم و پست مدرنیسم بر اساس مدل تاپسیس

عوامل	مدرنیسم				عوامل	پست مدرنیسم			
	Di+	Di-	CLi	TOPSIS		Di+	Di-	CLi	TOPSIS
x1	۰/۰۵۵	۰/۳۷۱	۰/۸۷۱	۲	x1	۰/۱۳۷	۰/۲۴۲	۰/۶۳۹	۴
x2	۰/۴۰۱	۰/۰۲۵	۰/۰۵۹	۱۱	x2	۰/۱۹۸	۰/۱۸۱	۰/۴۷۷۶	۵
x3	۰/۲۵۸	۰/۱۷۴	۰/۴۰۹	۷	x3	۰	۰/۳۷۹	۱	۱
x4	۰/۳۴۲	۰/۰۸۴	۰/۱۹۷	۹	x4	۰/۲۸۲	۰/۰۹۶	۰/۲۵۶	۷
x5	۰	۰/۴۲۶	۱	۱	x5	۰/۳۷۹	۰	۰	۹
x6	۰/۲۷۵	۰/۱۵۱	۰/۳۵۴	۸	x6	۰/۰۴۵	۰/۳۳۵	۰/۸۸۲	۲
x7	۰/۴۲۶	۰	۰	۱۲	x7	۰/۳۲۹	۰/۰۵۱	۰/۱۳۴	۸
x8	۰/۱۲	۰/۳۰۶	۰/۷۱۸	۴	x8	۰/۲۳۴	۰/۱۴۵	۰/۳۸۳	۶
x9	۰/۲۰۵	۰/۲۲۱	۰/۵۱۹	۶	x9	۰/۰۸۸۵	۰/۲۹۱	۰/۷۶۷	۳
x10	۰/۱۵۲	۰/۲۷۵	۰/۶۴۵	۵					
x11	۰/۰۸۱۶	۰/۳۴۵	۰/۸۰۸	۳					
x12	۰/۳۵۷	۰/۰۶۸۵	۰/۱۶۰۸	۱۰					

## نتیجه گیری

برای مشخص کردن میزان تاثیرات پارادایم فکری مدرنیسم بر ساختار کالبدی کلانشهر تهران از ۱۲ مولفه استفاده شد. نتایج حاکی از آن بود که در بین مولفه‌های مورد مطالعه، با تکیه بر مدل تاپسیس، مولفه کالبدی و شهرسازی تک بُعدی با کسب امتیاز نخست در جایگاه اول، مولفه ایجاد فضاخورها نظیر ایجاد بزرگراه‌ها، شبکه‌های هوایی (فرودگاه‌ها) و پارکینگ‌های طبقاتی و فلکه با کسب امتیاز (۰/۸۷۰) در جایگاه دوم و در نهایت مولفه معماری و ساخت‌وساز بلندمرتبه و دانه‌دار، آسمان‌خراش‌ها و خط آسمان ضربان قلبی با امتیاز (۰/۸۰۸) در جایگاه سوم واقع شده است و این سه عامل نسبت به سایر عامل بیشترین اثرگذاری را بر ساختار کالبدی فضایی کلانشهر تهران داشته است.

از سوی دیگر نتایج حاصل از پست مدرنیسم بر ساختار کالبدی-فضایی کلانشهر تهران حاکی از آن است که مولفه ترکیب کاربری‌ها و وجود تنوع با کسب امتیاز (۱) در جایگاه اول قرار گرفته است. مؤلفه وجود اصل اختیار در کالبد شهر نیز با کسب امتیاز (۰/۸۸) در جایگاه دوم از نظر متخصصین و نخبگان جامعه واقع شده است. در همین راستا، مؤلفه تراکم متوسط و کاربری ترکیبی با کسب امتیاز (۰/۷۶۶) از لحاظ اثرگذاری بر فضا و کالبدی کلان‌شهر تهران در جایگاه سوم قرار گرفته است.

در پی تغییر پارادایم مدرنیسم به پست مدرنیسم، ساختار کالبدی- فضایی شهرها و در پی آن نظریه‌ها و الگوهای برنامه‌ریزی شهری نیز دچار تغییراتی شده است. اگر در شهرسازی مدرنیسم کالبد، اقتصاد، اجتماع و فرهنگ در شهر به دنبال تحلیل‌های جدای از هم بودند و برنامه‌ریزی شهری نیز تاکید بیشتر بر اشکال هندسی و کالبدی داشت و شهرسازی پست مدرنیسم با تکیه بر اینکه ساخت شهر نیاز به نگرش سیستمی به دنبال دستیابی به محیطی پایدار در شهر می‌گردند و به نظر نگارندگان علی‌رغم اعتقاد تمامی پست مدرنیست‌ها بر اینکه ریشه‌های پست مدرنیسم بویژه در شهر می‌باشد اما ساختار و کارکردهای شهری، طرح و الگوهای جدید، اصلاحی بر طرح‌های مدرنیستی می‌باشد چرا که مباحث همان طرح‌ها را دنبال و بحران همان طرح‌ها را بررسی می‌کند. در کشورمان ایران بعد از انقلاب، جریان مدرنیسم در عرصه شهرسازی در کشور به دلیل انقطاع از گذشته تاریخی، تحول جامعه شهری، آن هم در ابعاد کالبدی-فضایی شهر، را هدف قرار داده و مفاهیم کهن شهرسازی را به شدت دگرگون و پاره‌ای از ثمرات از جمله ساخت ساختمان‌های بلند بدون دلیل، شریان‌های نامناسب حمل‌ونقلی و... به همراه داشت. از این رو با در نظر گرفتن موارد مطروحه در بالا و با بررسی و ارزیابی ساختار کالبدی- فضایی کلانشهر تهران از دیدگاه مدرنیسم و پست مدرنیسم نتایج گویای این است که پست مدرنیسم باعث شده شهرسازی تک بُعدی در تهران رواج بگیرد. بی‌توجهی به اصول انسانی، هویت، حس تعلق، سرزندگی، پویایی، انعطاف پذیری و عوامل اجتماعی و فرهنگی در سازمان فضایی شهر تهران مشهود است. بر اساس مصاحبه با متخصصین، بسیاری از کاربری‌های فرهنگی در تهران تبدیل به کاربری تجاری و اداری می‌شوند و یا مثالی دیگر

بسیاری از فضاهای سبز و زنده مناطق شمالی تهران نابود و به نفع خودرو و زیرساخت‌های آن از بین می‌روند. "نظام سرمایه‌داری فک شده"، اقتصاد رانتی و بورژوازی مستعلات شهر تهران را به زیر ساخت و ساز بی‌رویه بدون توجیح علمی و مدیریتی برده است و در مناطقی نظیر مناطق ۱، ۲، ۵ و ۲۲ شهرسازی تک بعدی بیشتر قابل لمس می‌باشد. از سویی تغییراتی اساسی در ساختار فضایی کلانشهر تهران نسبت به گذشته بوجود آورده است و انسجام و ساختار اصلی با هویت ایرانی-اسلامی را از دست داده است. در کنار این عامل، مؤلفه ایجاد فضاخورها نظیر ایجاد بزرگراه‌ها، شبکه‌های هوایی (فرودگاه‌ها) و پارکینگ‌های طبقاتی و فلکه این مؤلفه توانسته است ساختار فضایی کالبدی شهر تهران را تحت تأثیر قرار دهد و از جمله تأثیرات آن در ساختار کلانشهر تهران می‌توان به ایجاد بزرگراه‌ها نظیر بزرگراه صدر و یادگار امام و غیره اشاره کرد. لازم به ذکر است که بزرگراه صدر و یادگار امام بدون توجه به عوامل اجتماعی و انسانی باعث چندپاره شدن محلاتی نظیر؛ اوین، قیطریه شده‌اند. تمامی میداين و مراکز محلات سرزنده و پویا تبدیل به فلکه و فضاخورهایی نظیر؛ پارکینگ و راه‌های شربانی شده‌اند. پیاده‌راه‌ها باریک‌تر و مسیر سواره عریض‌تر شده‌اند. همچنین اکثر ساخت برج‌ها در کلان‌شهر تهران بدون توجیه علمی و تجربی بوده و گویای آن است که اکثر این برج‌ها بدون توجه به معماری ایرانی-اسلامی ساخته شده است و باعث کم‌رنگ شدن هویت معماری ایرانی-اسلامی نسبت به گذشته شده است. ساخت برج‌های بی‌ضابطه در کنار خانه‌های کم ارتفاع باعث تخریب امنیت و تخریب خط آسمان شده است. اجازه ساخت برج و ساخت وساز دانه دار در کوچه‌های کم عرض نظیر مناطق قدیمی شهر تهران (نظیر مناطق مرکزی و شمال تهران) چه توجیح شهرسازی می‌تواند داشته باشد. بر همین اساس در پست مدرنیسم نیز، نخستین کسانی که به مکتب مدرنیسم را مورد انتقاد قرار دادند "برنامه‌ریزان شهری" بودند. آنان در رویارویی با چهارچوب نظری مدرنیسم (مسکن، کار، رفت‌وآمد و اوقات فراغت)، مطالعات شهری را مطرح و آن را قالب مفاهیمی همچون خوشه‌های شهری، جابه‌جایی جمعیت و مسکن بررسی کردند. روی‌هم‌رفته شهرسازی پست‌مدرن با آموزه‌های اصلی شهرسازی مدرن یعنی مهندسی اجتماعی، قطعیت، پیش‌بینی‌پذیری، تعمیم، عقلانیت فراگیر، علیت و تعیین‌گرایی به مخالفت برخاست. در عوض، به منطقه‌گرایی انتقادی، اصالت بخشی، نسبیت، تکثیر، تعدد، تنوع، برنامه‌ریزی موضعی و مورد، عدم تمرکز، محلی‌گرایی، طراحی بومی، محیط‌گرایی، برنامه‌ریزی و کالتی، مشارکت مردی و مانند آن روی آورد.

نتایج این پژوهش با نتایج تحقیق زیاری و یوسفی (۱۳۸۲) که به تأثیر مدرنیسم و پست مدرنیسم و جهانی‌شدن بر توسعه کالبدی تهران پرداخته بودند و نتایج نشان داد که مدرنیسم از اواخر حکومت قاجار در سیمای کالبدی شهر تهران تأثیر گذاشته و در دوره پهلوی اول و دوم و به ویژه جمهوری اسلامی تأثیرات زیادی در شهر تهران بر جای نهاده و سیمای کالبدی آن را دگرگون ساخته است. به دنبال آن، پست مدرنیسم در دو دهه گذشته توانسته به صورت رگه‌هایی، در کالبد شهر تهران ریشه بدواند، ولی هنوز نتوانسته در شهر تهران فراگیر باشد، همپوشانی دارد. مقاله‌ای دیگر از زیاری (۱۳۸۲) که به بررسی تحولات اجتماعی-فرهنگی ناشی از انقلاب صنعتی (مدرنیسم) در توسعه فضایی تهران پرداخته است و نتایج آن نشان می‌دهد که شهر تهران با پیشینه‌ای اندک نسبت به سایر شهرهای بزرگ کشور به گونه‌ای شتاب آلود توسعه یافته و در ساختار و بافت داخلی آن تحولات اساسی صورت پذیرفته و به عنوان ابرشهر و به صورت پل ارتباطی با جهان خارج و داخل عمل نموده و بر کلیه ساختار داخلی شهرهای کشور و روستاها تأثیرگذار بوده است، با یافته‌های این پژوهش تشابه دارد و با قسمت از یافته‌های آن تفاوت دارد. مقاله‌ای از یزدانی و پوراحمد به تأثیر مدرنیسم بر تحولات کالبدی شهرهای ایرانی-اسلامی در کلانشهر تبریز پرداخته‌اند و نتایج بیانگر آن است که تحولات شهری معاصر ایرانی-اسلامی تبریز بیشتر از ناشی از ظهور مدرنیسم در اقتصاد، اجتماع، سیاست، فرهنگ و غیره است که تحولات کالبدی شهر تبریز را به وجود آورده است، با یافته‌های این پژوهش، نسبتاً هم‌پوشانی دارد. مقاله حسین‌زاده دلیر و هوشیار (۱۳۸۴) که در آن به تأثیر مدرنیسم بر معماری و شهرسازی ایران پرداخته شده است و نتایج آن نشان می‌دهد که شهرهای ایران نیز حداقل در سطح مجموعه‌های مسکونی، دانشگاهی، اداری، فرهنگی و غیره شدیداً متأثر از مدرنیسم بوده است و چنین فضاهای در اکثر شهرهای ایران تجربه شده است، نسبتاً با این پژوهش همخوانی دارد. در پایان و بر اساس جمع‌بندی‌های صورت گرفته می‌توان گفت با توجه به اینکه شهرنشینی در دنیا و همین‌طور در کشور ما با شدت رو به گسترش است بنابراین لزوم توجه بیشتر را در قالب نگرش‌ها و پارادایم‌های روز فلسفی می‌طلبد. و ضرورت تمرکز بیشتر بر شرایط اقتصادی و اجتماعی شهروندان در کنار مباحث کالبدی و هندسی و مشارکت آن‌ها در چارچوب برنامه‌ریزی توسط مردم به جای برنامه‌ریزی برای مردم نشان می‌دهد.

## References

- Afzali, R., & Amiri, A. (2011). A Study of Epistemological and Methodological Foundations for Post-modern Theories in Political Geography and Geopolitics, *human geography research quarterly*, 43 (77), 39-60. (In Persian)
- Alamdari, K. (1994). Sociology of Postmodernism (2). *Adine Magazine*, 96, 62-74. (In Persian)
- Aliakbari, E. (2004). An Approach to Reviving Past Values in Contemporary Urbanism. *Paek Noor*, 2 (2), 78-63. (In Persian)
- Arentsen. M., Stam, L., & Rick, Thuijs. (2004). *postmodern approaches to space*. Smart link press. London.
- Asghari, M., & Shafiei, (2012). Similarities and differences between modern and postmodern architecture. *Moon Art*, 174, 24-29. (In Persian)
- Azimi Bolurian, A. (2010). *The Concept of Land Use in Development Planning, Origins, Evolution and Experience of Iran*. Publishing Rasa (In Persian)
- Best, S., & Kellner, D. (1997). *The Postmodern Turn*. Guilford Press.
- Dabagh, A.M., & Mokhtab, M. (2011). Interpretation of Architecture by Post-modern Foundation with Semiotics Aspect. *Hovit Shahr*, 9 (5), 72-59. (In Persian)
- Daryaelal, B., Reyhaneh Hoseledar, S. (2012). Review of The concept of "identity" in contemporary Iranian architecture. Guilan Construction Engineering Organization, *Technique and Art*, 52, 14-18. (In Persian)
- Ellin, N. (1999). *Postmodern Urbanism*. Princeton Architectural Press, New York.
- Ezatpanah, B. (2008). *The role of power in the spatial structure of cities (case study: Sanandij)*, Ph.D thesis in Geography and Urban Planning, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran. (In Persian)
- Ezdani, M.H., & pourahmad, A. (2007). The influence of modernism upon the physical transformation of Iranian- Islamic citis (tabrizs case study). *Geographical research*, 22 (1), 29-52.
- Fakouhi, N. (2001). New towns spatial planning and energy optimal use strategy. *Journal Civil engineering*, 8, 1-17. (In Persian)
- Fakouhi, N. (2010). *Urban Anthropology*. Publishing nai. (In Persian)
- Farah, f. (2007). Sustainability approach in the context of urbanization. *Environmental Science and Technology*, 9 (1), 111-120. (In Persian)
- Fincher, R., & Jane, J. (1998). *Cities of Difference; New York and Landon*. The Gulford Press 1998. P 255
- Ghobadian, V., & Rezaei, R. (2014). The First Modern Square in Tehran City (Historical and Spatial Evolution of Old Tehran Squares until Modern Age). *Human geogrfhy Research*, 45 (4), 196-177. (In Persian)
- Ghorbani, R., & Jame Kasra, M. (2010). Pedestrianization as a new approach for the renewal of urban centers a case study of Tarbiat pedestrian way of Tabriz. *Journal Regional Studies and Research*, 2 (3), 72-55. (In Persian).
- Giddens, A. (1377). *The Consequences of Modernity*. Translation by Mohsen Solati, Printable Version, Markaz Publishing. (In Persian)
- Habermas, Y. (2008). *Strukturwandel transformation of the public sphere: an inquiry in to a category of bourgeois society*. Translator Jamal Mohammadi, markaz publication. (In Persian)
- Healy, P., & Williams, R. (2000). *European Union Spatial Policy and Planning*. Routledge, London.
- Hirt, S. A. (2005). Toward Postmodern Urbanism? Evolution of Planning in Cleveland, Ohio. *Journal of Planning Education and Research*, 25, 27-42.
- Hosseinzadeh Dalir, K., & Hooshir, H. (2005). Modernism and Its Influence on Iran's Architecture and Urbanism. *Geography and Planning*, 19, 222-207. (In Persian)

- Irani, H. (200). Emanism in the secular spirituality wave. *Journal of Book Review*, 391, 422-45. (In Persian)
- Jamali, F., & Heydari Chapaneh, R. (2001). Discussion of postmodern urbanism. *Journal of Faculty of Letters & Humanities*, 180, 79-124. (In Persian)
- Jamali, F., & Maleki, S. (2004). Urban doctrine of Modernism and Postmodernism in Architecture and Urbanism. *The Culture of Ilam Magazine*, 18 & 19, 5-21. (In Persian)
- Madanipour, A. (2000). *Design of Urban Space: An Inquiry into a Socio-Spatial Process*. Translator, Farhad Mortazai. Publishing, Urban Planning and Processing Co, Tehran. (In Persian)
- Mallinis, G. D., Emmanoloudis, V., Giannakopoulos, & Maris, F. (2011). Mapping and Interpreting Historical Land Cover/Land Use Changes in a Natura 2000 Site Using Earth Observational Data: The Case of Nestos Delta, Greece. *Applied Geography*, 31 (1), 312-320.
- Martinez. S. (2007). Postmodern Vs. modernism and city position. *Journal of Technological Forecasting & Social Change*, 74, 9-23.
- Mashhadi Zadeh Dehaghani, N. (1999). *An Analysis of Urban Planning characteristics in Iran*. Publication of Iran University of Science and Technology. (In Persian)
- Masomi, S. (2011). Comparative survey on the sustainable social development indexes Tehran metropolis district. *Journal of Geographical Sciences*. (In Persian)
- Naghizadeh, M. (1999). The Relationship between the Identity of Iranian Architectural Tradition and Modernism and Modernism. *Honarhaye Zeba*, 7, 79-91. (In Persian)
- Narimah, S. (2006). *Applications of Geographic Information Systems in Urban Land Use Planning in Malaysia*. The 4th Taipei International Conference on Digital Earth, Taiwan.
- Nazariyan, A. (2007). *Iranian urban geography*. Payam Noor University Press. (In Persian)
- Nazariyan, A. (2012). *Dynamics of Iran urban system*. Publication Mobtakeran. (In Persian)
- Nozari, H. A. (2000). Postmodernity and Postmodernism Publishing, *naghsh Jahan*. (In Persian)
- Papeli Yazdi, M. H., & Rajabi Sanaajerdi, H. (2010). *The theory of urban and surrounding*. Publication samt.
- Parsipoor, H., & Zieatavana, M.H. (2013). Postmodernism and city with emphasis on urban designing and planning patterns. *Journal Mangment System*, 4 (13), 57-76. (In Persian)
- Pazhuhani, M., Eliaszade Moghadam, N., & Fathei, S. (2013). A Comparative Study of Land Use System in Modernism and Postmodernism Schools. *Human Geogrphy Research*, 45 (2), 17-36. (In Persian)
- Rabbani, R., & Badri, E. (2008). An Analysis of Postmodern Education Perspectives. *Islamic revolution*, 7 (15), 35-56.
- Rahbari, M. (2006). Evaluation of Power Discourse, some essays on the conceptual evolution of power in classical, middle, modern and postmodern times. *Journal of Law and Political Sciences of Mazandaran University*, 1 (1), 117-152. (In Persian)
- Rajabi, A. (2011). The methods of citizen participation in the process of urban development. *Envairment Amayesh*, 12 (4), 116-101. (In Persian)
- René Short, J. (2009). *Urban Theory*. Translation of Ziari, K, Mahdanezhad, h and Parhiz, f, First Edition, Tehran University Press. (In Persian)
- Rezaii, R., & Abbasi, M. (2010). Effects of globalization on the nature, structure and function of cities. *Town and country planning*, 2 (2), 188-165. (In Persian).
- Saidi rezvani, N. (1992). Urbanization and urban construction in twenty years period (fram 1300 to 1320 of hijrat, solar calender). *Geographic Researches*, 25, 165-140. (In Persian)
- Sajadi, M. (2004). Comparative Study of Identity in Modernism and Postmodernism and Their Impact on Education. *Shahed Beheshti University*, 11 (6), 43-54. (In Persian)
- Sattarzadeh, D., Naghizadeh, M., & Habib, H. (2010). Urban space, social thought. *Environmental Science and Technology* 12 (4), 173-183. (In Persian)



- Sedaghat Jahromi, S. (2008). Revitalizing and creating social life in urban public spaces based on strengthening their identity Case study: Sepah St. *First Conference on Improvement and Modernization of Urban Waste Texts*, Mashhad, 1-23. (In Persian)
- Shafiei, H. (2000). Postmodernism in Urban Development. *Urban Management Quarterly*, 1. (In Persian)
- Shakoei, H. (2002). Postmodernism and Geography. *Geographical Research*, 63, 62-73. (In Persian)
- Shakoei, H. (2007). *New Trends in Philosophy of Geography*. Publisher: Institute of Geography and Cartography of Gates. (In Persian)
- Shali Amini, V. (2004). Today's City, and Trans-Modern Urbanism. *Journal of Architecture and Urban Development*, 79, 103-107. (In Persian)
- Shamai, A. (2010). The Role of Traditional Urban Patterns in Modern City Planning in Yazd. *The Journal of Iranian Studies*, 1 (1), 93-105. (In Persian)
- Shamai, A., & Pourahmad, A. (2005). *Improvement and renovation of the city from the point of view of geography science*, Tehran University Press. (In Persian)
- Sharmand Consulting Engineers. (1993). *application manner of the urban development plans*, The Publications of Municipalities Organization in Iran. (In Persian)
- Sobhani, N. (2012). Analysis on how the land use planning with social justice approach (The case study Shahyndzh city). Islamic Azad University of marand, supervisor, bakhtiar eztpanah. (In Persian)
- Sohangir, S., & Nazir Salami, M.R. (2014). The patterns of creating space in architecture relying on theoretical paradigms of postmodernism. *Baghe Nazar*, 28 (11), 78-65. (In Persian)
- Soltani, A., & namdarian, A.A. (2010). An Investigation of Forces Influence on Urban Space Formation. *Hovit Shahr*, 5 (7), 165-140. (In Persian)
- Thapa, R. B., & Murayama, y. (2010). Drivers of Urban Growth in the Kathmandu Valley, epal: Examining the efficacy of the Analytic Hierarchy Process. *Applied Geography*, 30 (1), 70-83.
- Tom, T. (2005). *City as a Perspective: An Attitude beyond Postmodernism (Post-Postmodern) to Urban Design and Planning*. Translation by Farshad Nourian, Publication of Urban Planning and Processing Co., Tehran. (In Persian)
- Virág, E. (2005). *Modernity and Memory: the Politics of architecture In Hungary and East Germany after the Second World War*. A Dissertation for the Degree of Ph.D. in Urban Sociology, University of Princeton.
- Wheeler, S. (2000). Planning for Metropolitan Sustainability. *Journal of Planning Education and Research*, 20 (2), 133-145.
- Yu, W., Sh. Zang, Ch. Wu, W. Liu., & Na. X. (2011). Analyzing and Modeling Land Use Land Cover Change (LUCC) in the Daqing City, China. *Applied Geography*, 31 (2), 600-608.
- Ziari, K. (1999). *Planning new cities*, Publication samat. (In Persian)
- Ziari, K. (2003). Socio-cultural Developments Caused by the Industrial Revolution in Tehran's Spatial Development. *Geography and Development*, 1(1), 164-151. (In Persian)
- Ziari, K., & yousfi, A. (2003). Physical development of Tehran in the process of modernism. *Modarres Human Sciences*, 7 (2), 140-125. (In Persian)

#### How to cite this article:

Zeinolabedin, Y., Sobhani, N., Saeidifard, F. & Akbari, M. (2018). Investigation and evaluation of the physical-spatial structure of Iranian cities from the point of view of modernism and postmodernism (Case study: Tehran metropolis). *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, 13(1), 125-143.  
[http://jshsp.iaurasht.ac.ir/article\\_540508\\_en.html](http://jshsp.iaurasht.ac.ir/article_540508_en.html)

## Evaluation of Physical-Spatial Structure of Iranian Cities from Point Of View of Modernism and Postmodernism (Case Study: Tehran Metropolis)

**Yousef Zeinolabedin**

*Associate Professor Dep. of Geography, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran*

**Nobakht Sobhani \***

*Young Researchers and Elites Club, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran*

**Faranak Saeedifard**

*Ph.D. Candidate of Geography and Urban Planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran*

**Majid Akbari**

*Ph.D. Candidate of Geography and Urban Planning, Payame Noor University, Tehran, Iran*

**Received:** 20/07/2016

**Accepted:** 30/04/2018

### EXTENDED ABSTRACT

#### Introduction

The industrial revolution in the 18th and 19th centuries brought about great transformations in cities the most important result was the increase in the population of cities and, consequently, the physical-spatial expansion of these cities, the emergence of metropolis is typical example of it. It also prompted urbanization speeds in developed and developing countries. In this regard, the modern and industrial city of West is the birth of industrial revolution and changes which has occurred as a result of the development of the productive forces of society.

#### Methodology

The research methodology is descriptive-analytical according to the nature of the work. The method of data collection has been library and documentary studies. With the intention of evaluation the effects of the two paradigms of modernism and postmodernism on the physical structure of the metropolis of Tehran, 21 components have been used that about 12 components are relevant to modernism paradigm and about 9 components also belong to the postmodernist intellectual paradigm. For selection of experts, since the goal is not generalization of results, a targeted sampling method has been used. The criteria for selecting experts are theoretical domains, practical experience, tendency and ability to participate in research and access. A remarkable point in determining the number of experts is to ensure the comprehensiveness of the various views in the research. In the first step, interviews with experts included professors and experts from universities and research centers for a comprehensive view of the reality have done, after that in the second step, a questionnaire was designed for experts and professors of different universities. In this questionnaire, for evaluation of the effect of each component, a number of questionnaires were randomly selected in the form of a Likert spectrum from a score of 1 to 5. Taking into account the above criteria, eventually the number of specialist and experts who collaborated on the research process was 42, and a Topsis model has been used for analysis. Cronbach Alpha has been used for instrument reliability. By this coefficient, accuracy and validity of the test instrument are tested. Accordingly, the Cronbach's alpha coefficient of the designed questionnaire is higher than 0.75%, which indicates the reliability of the

\*Corresponding Author:

Email: [n.sobhani65@gmail.com](mailto:n.sobhani65@gmail.com)

questionnaire questions and the correlation of questions for assessment and evaluation of research.

### **Result and Discussion**

By comparing the two intellectual paradigms of modernism and postmodernism, it can be concluded that each of them, with the components studied, had an impact on the spatial-physical structure of Tehran metropolis. Therefore, in general, one can conclude that in cities of the country, especially the metropolis of Tehran, extreme tendency of modernism is dominant, also there is a long distance to reach to the urbanization of postmodernism. Therefore, it is necessary to develop the concepts of modernism and postmodernism based on the traditions, cultures, lifestyle, and climatic conditions of the country, and we should not designed and created the principles of this thinking, regardless of cultural and traditional values in different cities of the world and in the metropolis of Tehran.

### **Conclusion**

In this article, the study of the physical-spatial structure of Iranian cities from the viewpoint of modernism and postmodernism with emphasis on Tehran metropolis has been discussed. 12 components were used in order to determine the effects of the intellectual paradigm of modernism on the physical structure of the metropolis of Tehran. The results show that among the studied components, based on the Topsis model, one-dimensional physical and urban planning component with the highest score in the first place, the component of the creation of space agents, such as the creation of highways, aerial networks (airports) and class parking lots and the gates with a score of (0.870) in the second place and finally, the architectural and construction component of high-rise and gravel, skyscrapers and the skyline of the heart beat with a score of 0.808 in the third place are located, and these three factors have the most impact on the physical structure of Tehran metropolis in comparison with other factors. On the other hand, the results of postmodernism on the physical-spatial structure of Tehran metropolis indicate that the component of the mixed use and diversity with points (1) is in the first place. The Component of the existence of the principle of discretion in the urban physical structure is also ranked second in terms of points (0.881) from the viewpoint of experts and elites. In this regard, the component of medium density and combination use with score (0.766) in terms of impact on the physical and spatial structure of Tehran metropolis is in third place.

**Keywords:** modernism, postmodernism, space, urban planning, Tehran Metropolis